



تاریخ بزبان ساده (۱)

# انقلاب شوروی

۴. ج. کویر

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان

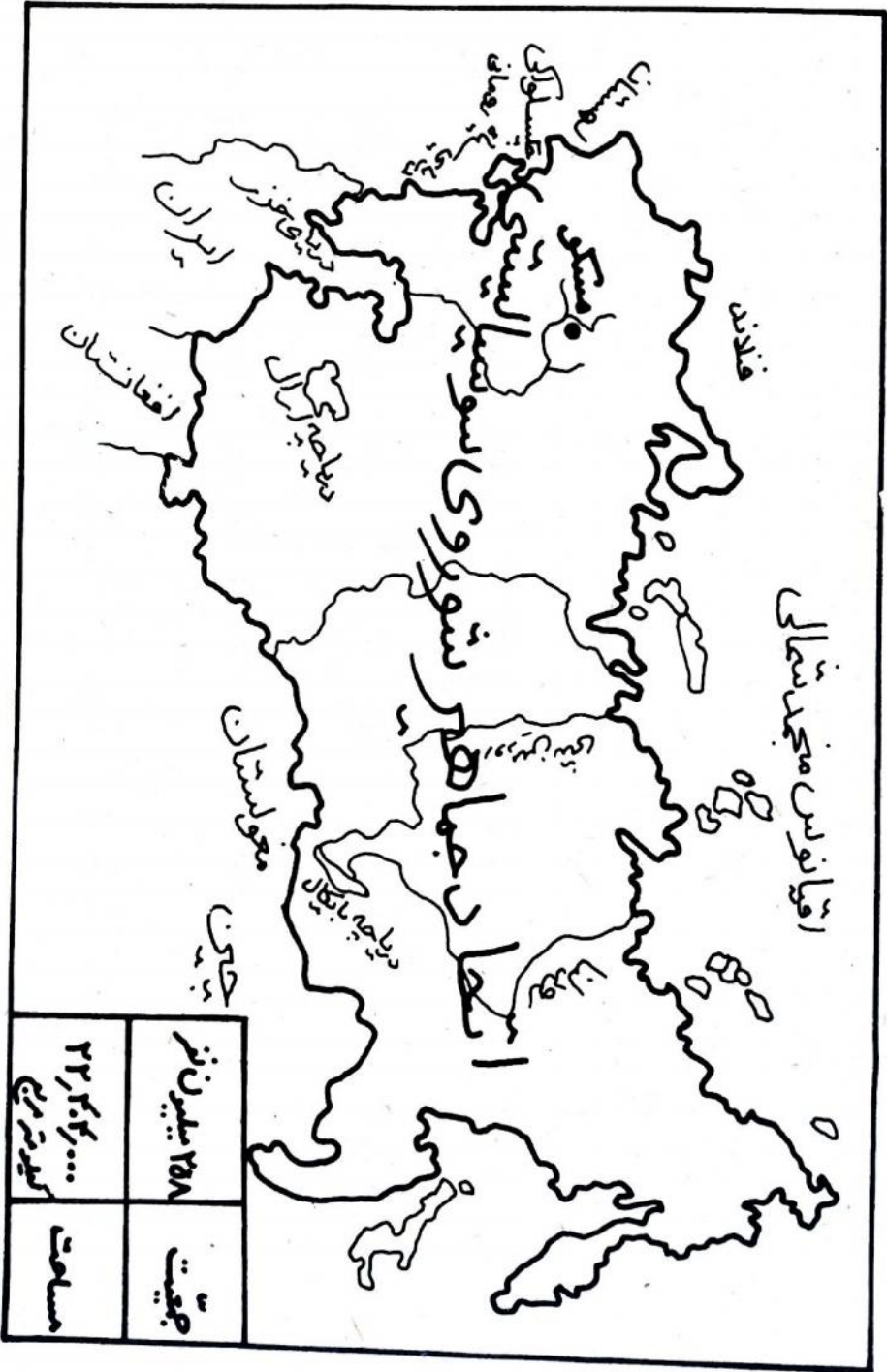
تاریخ بزبان ساده (۱)

# انقلاب شوروی

۴. ج. کویر



انتشارات بلوچ  
انقلاب شوروی  
تاء لیفم - ح - کویر  
چاپ اول فروردین ۶۰  
تیراژ ۵۰۰۰ جلد



نوع	میزان تولید	تعداد در	نوع	میزان تولید	نوع	میزان تولید	نوع
گندم	۳ میلیون بهدرتر برع	اول	هدای کینه	۹۰ بزبون	اول	۳ میلیون بهدرتر برع	گندم
جنگل	۹ میلیون بهدرتر برع	اول	فرلاد	۲۵ بزبون	اول	۹ میلیون بهدرتر برع	جنگل
آهن	۲۶ بزبون	اول	پشم	۴ بزبون	اول	۲۶ بزبون	آهن
نفت	۲۸۸ میلیون تن	دوم	نیروی برق	۱۴ بزبون	دوم	۲۸۸ میلیون تن	نفت
نوع	میزان تولید	نوع	میزان تولید	نوع	میزان تولید	نوع	میزان تولید
گندم	۳۲ بزبون	دغال سنگ	۱۲۰ هزار تن	اول	۳۲ بزبون	دوم	۱۲۰ هزار تن
آهن	۲۷ بزبون	طلا	دوم	دوم	۲۷ بزبون	دوم	۲۷ بزبون
کتن	۷۰ بزبون	اول	دوم	اول	۷۰ بزبون	اول	۷۰ بزبون

مقداری از وضعیت اقتصادی اتحادیه شوروی

# کتاب اول

انقلاب دسامبر ۱۹۰۵

## "سرود اکتبر"

ما به گدایی کاروان می‌رفتیم ،  
دل‌های ما از اندوه درهم فشرده بود  
دودکش‌های کارخانه‌ها بمبوی آسمان‌ها بلند می‌شد ،  
هم چون دست‌های فرسوده‌ای که حتی قدرت مشت شدن نداشتند .  
سکوت به صدای کلمات رنج و اندوه ما ،  
که از غرش توپ‌ها پرطنین تر بود ، شکسته می‌شد .  
ای لنین !  
ای آرزوی دست‌های پینه‌بسته !  
ما فهمیده‌ایم .  
لنین ! فهمیده‌ایم که سرنوشت ما پیکار است !  
پیکار ! پیکار !  
تو ما را به آخرین پیکار رهبری کردی !  
پیکار !  
تو برای ما پیروزی کار و زحمت را به وجود آورده‌ای ،  
و هیچ کس نخواهد توانست این پیروزی بر جهل و زور را ،  
از ما پس بگیرد .  
هیچ کس ، هیچ کس ! هرگز ! هرگز !  
باشد که همه کس در این پیکار ، جوان و دلیر بماند .  
زیرا پیروزی ما ، اکتبر نام دارد ،  
اکتبر ! اکتبر !  
اکتبر پیام آور خورشید است !  
اکتبر آرزوی قرن‌های برآشفته و عصیان‌کرده است !  
اکتبر کار و شادی و سرور است !  
اکتبر ، مایه‌ی باروری مزرعه‌ها و ماشین‌هاست !  
این است پرچم نسل جوان و لنین !

# اوضاع اقتصادی-اجتماعی روسیه قبل از انقلاب

تا قرن نوزدهم ، روسیه یکی از عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین کشورهای اروپا بود . این کشور " روسیه مقدس " نامیده می شد و تزار پادشاه روسیه " پدر کوچک مقدس " نام داشت . کلیسا و مذهب قدیمی ارتدوکس که پشتیبان و ابزار دست حکومت تزاری بودند ، افسانه های بسیاری درباره ی تزار ، برای گمراه نمودن و فریب مردم به کار می برند . دولت ستمگر و استبدادی تزارها بر سرتاسر دشت های پهناور روسیه حکم می راند و درباره ی پر شکوه خویش را از خون و استخوان مردم آذین می بست . دولت استبدادی هر نوع شورش و عصیان را به شدت سرکوب نموده و توسط نیروهای سرکوبگر خویش به خاک و خون می کشید . بدین ترتیب هیچگونه رشد و ترقی و پیشرفت در روسیه مشاهده نمی شد . به همین سبب روسیه تزاری از سیر رشد سرمایه داری نیز عقب ماند . اساس اقتصاد روسیه تا نیمه ی قرن نوزدهم بر اصول " سرواژ " (۱) استوار بود و مالکان زمین خون دهقانان را می مکیدند ، اما

---

۱ - سرواژ = فئودالیسم ، سرف = رعیت



روسیه نیز مجبور بود که دروازه‌های خود را به روی سرمایه‌داری بگشاید تا هم عقب‌ماندگی خود را جبران نماید و هم در برابر شورش‌های دهقانان علیه اصول ظالمانه‌ی سرواژ ایستادگی کند.

سرانجام حکومت ستمگر روسیه‌ی تزاری در راه گسترش سرمایه‌داری و در برابر فقر روز افزون دهقانان و شورش‌های آنان علیه اصول سرواژ، مجبور به لغو این اصول گردید. در طی دوران سرواژ، رعیت با زمین خرید و فروش می‌شد، اما پس از لغو این اصول رعیت مجبور گردید تا هم برای آزادی خود پولی بپردازد و هم اینکه زمین را از ارباب اجاره نماید، از سوی دیگر برای تهیه بذر، کود، حیوان و آلات کشاورزی مجبور به قرض گرفتن از ارباب گردید و در برابر آن به بیگاری برای ارباب پرداخت. این نوع کار را "نصفه‌کاری" می‌نامیدند. لغو اصول سرواژ هیچگونه کمکی به بهبود وضع زحمتکشان ننمود. هم‌چنان "کنوت" تازیانه‌ی مخصوص دهقانان بر پشت آنان فرود می‌آمد، تبعید گاه‌های یخ‌زده‌ی سبیری از شورشیان پر بود و "پاگرام" یا قتل عام یهودیان باعث نابودی هزاران زحمتکش می‌گردید.

دهقانان که در زیر بار فشار قرض‌ها و مالیات‌ها و ازدست‌دادن زمین دیگر قادر به کشاورزی نبودند، از روستاها شروع به فرار کردند، سیل زحمتکشان فقیر و آواره در جستجوی کاروانان به شهرها سرازیر شد. این زحمتکشان در کارخانه‌ها شروع به کار کردند و نیروی کار ارزان در اختیار سرمایه‌داران قرار گرفت.

اگرچه تزارهای روسیه مانند کاترین و پترکبیر سعی در غربی کردن کشور داشتند اما به علت نبودن کارخانه، پهناوری روسیه، حاکم بودن اصول بیرحمانه‌ی فئودالی و وجود بیسوادگی، عقب‌ماندگی و گرسنگی کارچندانی از پیش نبردند.

نخستین نشانه‌های بیداری در سال ۱۸۲۵ پدیدار شد و آن قیام افسران "دکابریست‌ها" - دسامبریست‌ها بود، اما این افسران خوداز طبقه‌ی مالکان بودند و نتوانستند کاری از پیش ببرند و قیام آنان به شدت سرکوب گردید.

در سال ۱۸۳۰ انقلاب صنعتی در روسیه آغاز گردید. نخستین

ماشین‌های بخار به کار افتاد، در نتیجه‌ی بهبود راه‌ها و حمل‌ونقل، تولید بازرگانی گسترش یافت. بازرگانان ثروتمند شروع به خرید زمین‌های دهقانان فقیر نمودند. این اربابان تازه، دیگر احتیاجی به رعیت وابسته به زمین نداشتند، بلکه بوسیله‌ی کشاورزی پیشرفته‌ی صنعتی، از کار مزدوری که مخصوص سرمایه‌داری است استفاده می‌بردند و بدین وسیله سرمایه‌داری روستایی نیز گسترش پیدامی‌کرد. در نتیجه‌ی فقر و گرسنگی و آوارگی دهقانان و افزودن شدن بار بیکاری بر دوش آنان قیام‌های دهقانی اوج می‌گرفت. سرانجام در سال ۱۸۶۱ حکومت تزاری از ترس دست به اصلاحات زد. دهقانان از نظر قانونی، آزاد شدند و به آن‌ها حقوق مدنی "یعنی حق معامله تجارت و مالکیت..." داده شد، اما هم‌چنان قدرت و ثروت در دست اربابان بود. اهمیت این اصلاحات در این بود که ورود روسیه را به دوران سرمایه‌داری صنعتی به جلو انداخت.

### صنعت چگونه رشد یافت؟

تصاحب زمین‌های دهقانان فقیر توسط بازرگانان ثروتمند، غارت منابع مواد خام توسط آن‌ها، نیروی کار ارزان دهقانان آواره و بیکار و بی‌زمین، این‌ها همه وسایل را برای رشد صنایع آماده می‌نمودند. سرمایه‌داری قبل‌از هر چیز به حکومت مرکزی پر قدرت برای برقراری امنیت جهت سرمایه‌داران، جاده‌های خوب و امن و بازار برای مصرف نیاز داشت. از حدود سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ نزدیک ۲۰ هزار کیلومتر راه آهن در روسیه ساخته شد. راه آهن برای ساختمان خود به فلزات و برای سوخت به ذغال سنگ نیاز داشت. در نتیجه صنایع فلز سازی و استخراج معادن نیز گسترش یافتند. گسترش راه‌ها و بهبود وسایل حمل و نقل باعث ایجاد بنگاه‌های صنعتی بسیار گردید. سرمایه‌داری در روسیه با استفاده از راه‌های خوب، لغو اصول سروزا و در اختیار داشتن نیروی کار ارزان به گسترش صنایع دیگری مانند صنعت بافندگی و صنایع سنگین پرداخت. شرایط بیرحمانه‌ای بر این کارگاه‌ها و کارخانه‌ها حاکم بود.

ساعات کار بین ۱۴ - ۱۰ ساعت بود، در صنایع بافندگی و ریسندگی مدت کار تا ۱۵ ساعت می‌رسید. استثمار زنان و کودکان خردسال رواج کامل داشت دستمزدها بسیار ناچیز بود. فقر و گرسنگی بیداد می‌کرد. هر روز عده‌ی زیادی از کارگران به علت فراهم نبودن شرایط بهداشتی، کمبود تغذیه، نبودن پزشک و بر اثر بیماری‌های گوناگون جان می‌سپردند. شرایط مسکن برای کارگران بسیار دشوار بود. ده تا دوازده کارگر در پستوهای کوچک قرارگاه‌های کارگری با یک پتو زندگی می‌کردند. چنین بود و وضعیت دهقانان و کارگران.

اما چه نیروهایی این نظم جهنمی را نگهبانی می‌کردند؟

یک ارتش بسیار بزرگ از ژاندارم‌ها، پلیس‌ها، نگهبانان، کلانتران بوسیله‌ی دادگاه‌ها، زندان‌ها، قوانین و شکنجه از تزار، سرمایه‌داران و زمینداران در برابر زحمتکشان دفاع می‌نمودند.

تا سال ۱۹۰۳ تنبیه بدنی بسیار رایج بود و برای کوچکترین خطا یا اعتراض یا عدم پرداخت مالیات و بدهی، دهقانان را به شلاق می‌بستند، قزاق‌ها در همه‌جا با شمشیرخویش از منافع سرمایه‌داران و زمین‌داران دفاع می‌نمودند. حکومت تزاری با پایمال نمودن حقوق زحمتکشان و سرکوب ملت‌های غیر روس و بر افروختن آتش کینه و نفاق ملی در راس این هرم خون و استخوان قرار داشت.

### روسیه در مرحله‌ی امپریالیسم

روسیه سرزمین پهناور و پر جمعیتی بود و میدان عمل برای سرمایه‌داران بسیار وسیع و سفره‌ی گسترده‌ی آن برای غارتگران بسیار اشتها آور بود.

در طی سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ نزدیک ۶ هزار مؤسسه صنعتی در روسیه ایجاد گردید. ارزش کالاهای صنعتی از ۱/۵ میلیون روبل در سال ۱۸۹۰ به ۳۰۰۰ میلیون روبل در ۱۹۰۰ رسید. با بوجود آمدن یک بحران اقتصادی بسیاری از کارگاه‌ها و بنگاه‌ها ورشکست و یا تعطیل شدند، انحصارات بزرگ که از بحران لطمه‌ی زیادی ندیده بودند، کارگاه‌ها و بنگاه‌های کوچک را خریدند. یک اتحادیه‌ی بزرگ

به نام "پرودامت" در سال ۱۹۰۲ فروش کالاهای فلزی را بر عهده گرفت. این اتحادیه ۸۳٪ کل آهن و ۷۴٪ چدن روسیه را به فروش می‌رسانید. یک اتحادیه‌ی بزرگ دیگر بنام "پرودواگن" انحصارواگن های راه آهن را بر عهده داشت. یک سندیکای عظیم سرمایه‌داری بنام "پرودوگل" ۷۵٪ ذغال سنگ کشور را در اختیار گرفت.

بانک‌های بزرگی چون "اشراف" و "آزف - دن" در سیاست و اقتصاد مملکت نقش مهمی بر عهده گرفتند. این بانک‌ها سرمایه‌های خویش را در صنعت نیز به کار گرفتند. با ادغام سرمایه‌های بانکی و صنعتی یک الیگارش‌ی مالی (۱) بوجود آمد.

بدین ترتیب روسیه وارد عصر امپریالیسم شد. امپریالیسم روسیه چند خصوصیت مهم داشت:

- ۱ - بقایای فئودالیسم در اقتصاد و سیاست وجود داشت.
- ۲ - وجود استبداد تزاری که به یاری نیروهای سرکوبگرو نزدیک ۲۰۰ هزار کیش به سرکوب و تحمیق مردم پرداخته و  $\frac{۴}{۵}$  مردم روسیه را بی‌سوادنگه داشته بودند.
- ۳ - وابستگی به امپریالیسم اروپای غربی به علت عقب‌ماندگی خود.

۴ - نبودن رشته‌های عمده‌ی صنعتی به علت وابستگی.

- ۵ - شرکت در تقسیم جهان بین دولت‌های امپریالیستی.
- روسیه چگونه در امر تقسیم جهان بین دولت‌های امپریالیستی شرکت نمود؟

در اواخر قرن نوزدهم بین دولت‌های امپریالیستی بر سر تسلط بر اقیانوس آرام و تقسیم کشور چین مبارزه‌ی شدیدی آغاز گردید که روسیه نیز در آن شرکت داشت. قدرت‌های امپریالیستی چون، ژاپن، فرانسه، آلمان و انگلیس به همراه روسیه به چین که در آن زمان کشور بسیار ضعیفی بود حمله‌بردند. روسیه علاوه بر خصلت امپریالیستی خویش قصد داشت با به راه انداختن جنگ بین روسیه و چین جلوی

---

۱ - الیگارش‌ی مالی = تسلط اقتصادی و سیاسی مشت‌ی سرمایه دار بزرگ که در عصر امپریالیسم پیدا می‌شود.

شورش‌های داخلی را بگیرد و از سوی دیگر با تصرف سرزمین‌دیگران، خود را از بحران اقتصادی نجات دهد. اما در این میان ژاپن که روسیه را سد راه خویش می‌دید و بوسیله‌ی جاسوسان خود از ضعف آن کشور با خبر بود در ژانویه ۱۹۰۴ با حمله به "پرت آرتور" جنگ بر علیه روسیه را آغاز نمود.

ژنرال‌های ترسو و خیانت‌پیشه‌ی روسیه به زودی شکست خوردند ارتش ۳۵۰ هزار نفری تزار مقدس ۱۲۰ هزار کشته داد و "پرت آرتور" پس از یک جنگ فلاکت بارتسلیم شد. در نتیجه‌ی این شکست نظر توده‌ها نسبت به تزار خشمگینانه‌تر شد و ضعف دولت تزار آشکار گردید. فقر و بیکاری به اوج خود رسید. طبق برآورد لنین در آن زمان سه میلیون و نیم خانوار دهقان بدون اسب بودند و زیر ستم کولاک‌ها "بورژوازی روستا" جان می‌کنند. پرولتاریای بیکار شده و جنگ زده نیز علیه تزار وارد مبارزه می‌شد.

### نخستین شراره‌های قیام

اولین اتحادیه‌های کارگری: کارگران و زحمتکشان که از مبارزات پراکنده و بدون رهبری و سازماندهی خویش نتیجه‌ای بدست نمی‌آوردند سرانجام پی به اهمیت سازمان‌های صنفی سیاسی خویش می‌بردند. اولین اتحادیه‌ی کارگران در روسیه در "اودسا" تشکیل گردید. این اتحادیه نزدیک ده ماه دوام آورد اما بر اثر یورش حکومت تزاری تارو مار گردید.

در سال ۱۸۷۸ اتحادیه‌ی شمالی کارگران روسیه توسط یک سوهانکار و یک نجار در پترزبورگ تشکیل یافت. این اتحادیه سازمانی نیرومند بود و هدف‌های مهمی را در برابر داشت:

- ۱- برانداختن حکومت تزاری
  - ۲- برقراری نظام سوسیالیستی بوسیله‌ی انقلاب.
  - ۳- کسب آزادی، قلم، بیان، مطبوعات و اجتماعات.
- این اتحادیه نیز بخاطر ضعف ایدئولوژیکی، ضعف رهبری و سازماندهی به توسط نیروهای تزار از هم پاشید. اما توانست مبارزات

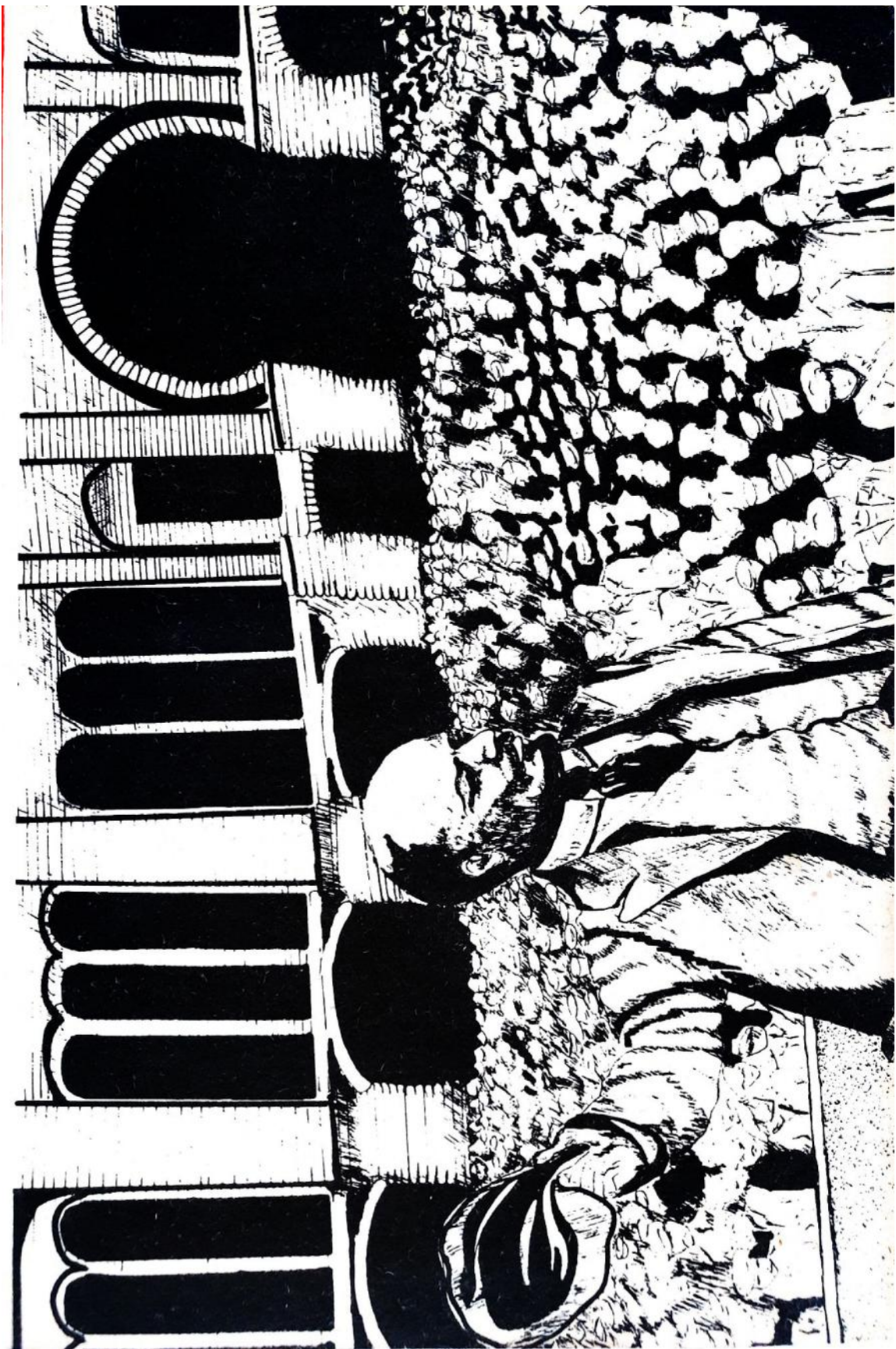
صنغی را با مبارزات سیاسی درهم آمیزد و این قدمی بزرگ به جلو بود. اعتصابات کارگری اوج گرفته و هرروز گسترش بیشتری می‌یافت. در نتیجه‌ی رشد اعتصابات کارگری نخستین سازمان‌های مارکسیستی در روسیه پیدا شد.

### ناردنیک‌ها چه کسانی بودند؟

قبل از رواج اصول علمی مارکسیسم در روسیه - جریان‌ات جنبش بوسیله‌ی ناردنیک‌ها اداره می‌شد.

گسترش افکار انقلابی برای بار اول در میان روشنفکران دیده شد، این روشنفکران و دانشجویان با دهقانان و زحمتکشان هیچگونه رابطه‌ای نداشتند. از سال‌های ۱۸۷۰ به بعد، دانشجویانی که تمایلات انقلابی داشتند، تصمیم گرفتند به روستاها رفته و در میان دهقانان به تبلیغ عقاید خویش بپردازند. دهقانان حرف‌های آنان را نمی‌فهمیدند و سخنانشان را باور نمی‌کردند و حتی بسیاری از آنان را دستگیر کرده و به پلیس تحویل دادند. شکست در تماس با زحمتکشان این روشنفکران را به نا امید و یاس کشانید و آن‌ها به یکباره از توده‌ها جدا شدند و نیروی واقعی انقلاب را فراموش کرده و به "ترور" روی آوردند و کوشیدند تا از راه کشتن مقامات دولتی راه نجاتی پیدا کنند. به این ترتیب موج ترور، تیراندازی و پرتاب نارنجک در روسیه گسترش یافت. این روشنفکران خود را "لیبرال‌های بمب‌دار" نامیده و سازمان تروریستی خویش را "ناردنیک"، "نارد = خلق و ناردنیک = خلقیون" نام نهادند.

ناردنیک‌ها معتقد بودند که سرمایه‌داری در روسیه رشد نمی‌کند و طبقه کارگر نیز ترقی نمی‌یابد. آن‌ها مبارزه‌ی طبقاتی را باور نداشته و اعتقاد داشتند که تاریخ را قهرمانان و مردان بزرگ می‌سازند. یکی از بزرگترین ناردنیک‌ها "پلخانوف" بود. وی بعدها از آنان جدا شد و دسته‌ی "آزادی‌کار" را بنانهاد. وی اعتقاد داشت که پرولتاریا مدام رشد می‌کند و متحد می‌شود و از تمام طبقات انقلابی‌تر است. پلخانوف، ناردنیک‌ها را ایده‌آلیست نامید و گفت که حق با مارکس و



انگلس است. وی کتابهای آنان را مخفیانه ترجمه و وارد روسیه نمود. اما پلخانوف به نیروی دهقانان اعتمادی نداشت و می‌گفت که به غیر از بورژوازی و پرولتاریا نیروهای اجتماعی دیگری وجود ندارند. سرانجام ناردنیک‌ها که از جلب حمایت توده‌ها سرخورده بودند در ادامه‌ی سیاست‌های تروریستی خویش، الکساندر دوم، تزار روسیه را ترور کردند. آنها فکر می‌کردند که با کشتن فرد می‌توان حکومت تزاری را نابود کرد. ناردنیک‌ها از این راه نیز بجایی نرسیدند، پس ابتدا به حمایت از منافع کولاک‌ها پرداخته و عاقبت به طور کلی از مبارزه دست کشیدند.

فعالیت‌های انقلابی لنین: لنین در سال ۱۸۷۰ در سیمبرسک تولد یافت. با ورود به دانشگاه به مبارزات انقلابی داخل شد و بارها به زندان افتاده و تبعید گردید. وی برای اتحاد نیروهای پراکنده انقلابی تلاش بسیار نمود. او با آشنایی با اصول عقاید مارکس و انگلس، سعی در پیاده نمودن آنها در شرایط آنروز روسیه نمود. لنین با عقاید ناردنیک‌ها به مخالفت پرداخت و با نوشتن کتاب‌های گوناگون در ترویج عقاید مارکسیستی تلاش نمود.

لنین اعتقاد داشت که بدون یک تئوری انقلابی، جنبش انقلابی نمی‌تواند وجود داشته باشد. وی تمام تلاش‌های خود را برای ایجاد یک حزب مارکسیستی به کار برد. کتاب "چه باید کرد" لنین اساس رویایه‌ی حزب بلشویک است. در زمان طرح برنامه‌ی حزب بین لنین و پلخانوف اختلاف افتاد و این مسئله بر سر دهقانان بود. این اختلافات سرانجام به جدایی بلشویک‌ها "اکثریت" و منشویک‌ها "اقلیت" انجامید. در سال ۱۹۰۰ نخستین روزنامه‌ی سیاسی برای سرتاسر روسیه توسط لنین و به یاری پلخانوف به نام ایسکرا = اخگر با سرلوحه‌ی "از اخگر شعله برمی‌خیزد" به چاپ رسید.

لنین در کنگره‌های مختلف حزب عقاید انقلابی خویش را به اثبات رسانید. در کنگره‌ی دوم حزب که در سال ۱۹۰۳ مخفیانه در خارج از روسیه برپا گردید، لنین موفق شد برنامه‌ی مورد نظر خویش را به تصویب برساند. این برنامه و طیفه‌ی حزب طبقه‌ی کارگر را در انقلاب سوسیالیستی، سرنگون کردن حاکمیت سرمایه‌داران و برقراری



دیکتاتوری پرولتاریا (۱) می دانست . اصول دیگر برنامه عبارت بود از :

۱- واژگون نمودن حکومت تزار

۲- استقرار جمهوری دهکراتیک

۳- نابودی اصول سرواژ

۴- برقراری ۸ ساعت کار برای کارگران

۵- پس گرفتن زمین‌های غصبی از زمینداران

در همین کنگره بود که برای جلوگیری از خرده‌کاری ، محفل‌بازی ، پراکندگی و نبودن انضباط حزب سوسیال دمکرات روسیه تاسیس گردید . در کنگره‌ی سوم منشویک‌ها با یاری پلخانف رای آوردند ، اما لنین از آنها جدا شد .

در چهارم ژانویه ۱۹۰۵ نخستین شماره‌ی روزنامه‌ی بلشویکی و پریرود = به پیش انتشار یافت و رسماً دوجناج بلشویک و منشویک‌ها ایجاد گردید .

در جنگی که بین روسیه و ژاپن اتفاق افتاد منشویک‌ها خواستار دفاع از میهن بودند ، اما لنین و بلشویک‌ها اعتقاد داشتند که شکست در جنگ به نفع انقلاب است و ضعف تزار و ناراضایتی توده‌ها را افزایش می‌دهد .

نفوذ اندیشه‌های مارکسیستی و انقلابی در روح عصیانگر توده‌ها اثرات بسیار داشت . نوشته‌ها انتقادی و انقلابی پوشکین ، گوگول ، تورگنیف ، چخوف و ماکسیم گورکی نیز در دمیدن روح انقلاب در مردم اثرات بسیار به جای نهاد . توده‌های زجر کشیده بر می‌خاستند تا بساط ظلم و ستم را درهم کوبند .

---

۱- دیکتاتوری پرولتاریا : محتوای اساسی انقلاب سوسیالیستی و شرط اساسی انجام آن و نتیجه اساسی پیروزی آن است . عمل اصلی دیکتاتوری پرولتاریا ، درهم شکستن مقاومت استثمارگران ، جلوگیری از تجاوزات ارتجاع و جلب زحمتکشان به ساختن جامعه‌ای نوین است . شوراهای شکل دیگر آن است . دیکتاتوری پرولتاریا تنها وسیله‌ای برای رسیدن آن به جامعه بدون طبقه است .

## طوفان فرا می‌رسد

سرانجام نهال انقلاب به گل نشست، توده‌های ستم‌دیده روی به انقلابی خونین آوردند. اما چه عواملی بر روی هم باعث انقلاب گردید؟

۱ - ستم کاری و ظلم بی حساب سرمایه‌داران و قدرت‌های حاکمه نه تنها کارگران، بلکه تمام توده‌ها را تحت فشار نهاده بود.  
 ۲ - روستاییان از نداشتن زمین، مالیات‌های سنگین، بیکاری و فقر به عذاب آمده بودند.

۳ - شکست روسیه از ژاپن، ضعف و نابودی تزار و تنفر ملت را نسبت به وی آشکار نمود. لنین می‌نویسد: "سقوط پرت آرتور، مقدمه‌ی سقوط استبداد بود".

۴ - ورشکستگی اقتصادی به بیکاری میلیون‌ها کارگر و زحمتکش انجامیده بود.

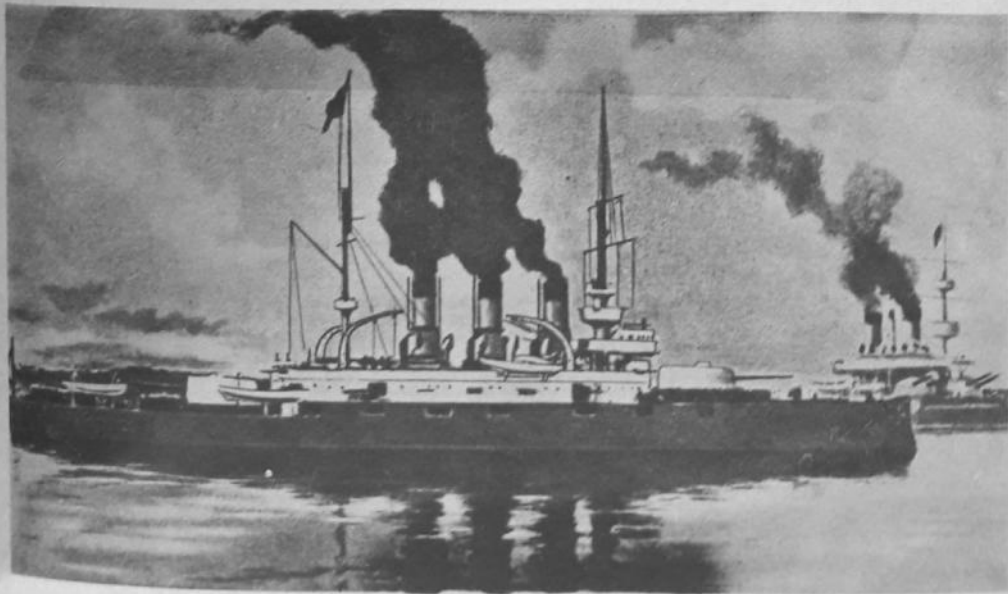
۵ - چون دیگر نه قدرت‌های حاکمه می‌توانستند به حکومت ادامه دهند و نه توده‌ها می‌خواستند به فرمان آنها گردن نهند، پس بلشویک‌ها و کارگران آگاه با تمام نیرو تلاش نمودند تا دسته‌های شهری و روستایی را متحد و متشکل نموده و بسوی انقلاب به پیش برند.  
 در ماه دسامبر سال ۱۹۰۴ اعتصاب بزرگی بوسیله‌ی کارگران باکو و تحت نظر کمیته‌ی بلشویک‌ها صورت گرفت. این اعتصاب با موفقیت کارگران پایان یافت و برای اولین بار در تاریخ روسیه، بین کارگران و صاحبان صنایع نفتی، یک پیمان دسته جمعی به سود کارگران بسته شد.

استالین می‌نویسد: "اعتصاب دسامبر ۱۹۰۴ باکو علامت قیام مشهوری بود که در ژانویه و فوریه ۱۹۰۵ در تمام روسیه اتفاق افتاد".  
 در ژانویه ۱۹۰۵ کارگران بزرگترین کارخانه‌ی پترزبورگ به علت اخراج چهار نفر از کارگران اعتصاب نمودند، این اعتصاب در مدتی کوتاه به تمام کارخانه‌های اطراف سرایت نمود، بطوری که تا نهم ژانویه ۱۴۰ هزار نفر به اعتصاب پیوستند.

در این میان یک کشیش مرتجع به نام "گاپون" با یاری پلیس، مردم را به آرامش دعوت نموده و از آنان خواست تا در مقابل کاخ



" نهم ژانویه سال ۱۹۰۵ . یکشنبه خونین "



" رزمنه و پاتومکین "

زمستانی تزار رفته و از او خواهش کنند تا در وضع مردم بهبودی حاصل نماید. در همین حال لنین هشدار میداد که درمقابل کاخ چیزی جز گلوله نثار مردم نخواهد شد.

یکشنبه خونین: در صبح نهم ژانویه مردم به طرف کاخ تزارروانه شدند. صد و چهل هزار نفر همراه با عکس‌هایی از تزار و علمای کلیسا گرد آمدند.

گاپون نقشه‌ی خائنانه‌ای طرح نموده بود. بدین ترتیب که دولت اجازه اجتماع به کارگران بدهد اما به روی آن‌ها آتش بگشاید. وی طرفداران خویش را نیز واداشت تا به تزار کمک نموده و از داخل به روی مردم آتش گشوده و نهضت را درهم بشکنند.

در این حال بلشویک‌ها فریاد می‌زدند: "از طریق خواهش و تمنا امکان ندارد کارگران به آزادی سیاسی و اقتصادی برسند، زیرا طبق قانون اجتماعی، عملی شدن این منظور جز از راه انقلاب جز بوسیله‌ی توسل به اسلحه و مبادرت به قیام مسلحانه محال است."

با این وجود بلشویک‌ها حاضر نشدند که مردم را تنها بگذارند و همدوش مردم به برابر کاخ تزار رفتند. نیکلای دوم پاسخ خواهش توده‌ها را با گلوله داد. در نتیجه‌ی فرمان نیکلا بیشتر از هزار نفر کشته و دوهزار نفر مجروح شدند. این‌روز به یکشنبه‌ی خونین شهرت یافت. حادثه‌ی خونین نهم ژانویه نشان داد که:

"تاکارگر اسلحه بدست نگیرد و از طریق انقلاب مسلحانه برای منظور مقدس خود نجنگد و برای نیل به هدف حاضر به ریختن خون و دادن خون نشود، نباستی هیچ‌گونه امیدی به آزادی و پیروزی خود داشته باشد."

این کشتار وحشیانه تمام توده‌های روسیه را خشمناک نمود. نزدیک ۴۴۰ هزار نفر از مردم روسیه دست به اعتصاب زدند. این اولین اوج انقلاب کارگری روسیه بود.

فریاد "مرگ بر استبداد" ستون‌های خونین کاخ ستم را به لرزه انداخت. نهضت کارگری در نقاطی که بلشویک‌ها نفوذ داشتند رنگ سیاسی به خود گرفت اینک کارگران فریاد می‌زدند: "اکنون که تزار به ما حمله نموده است، ما هم حمله را شروع خواهیم کرد."

مبارزه‌ی کارگران دیگر تنها مبارزه‌ی اقتصادی نبوده و به مبارزات سیاسی تبدیل شد. کارگران در بسیاری نقاط به نبرد با پلیس پرداختند. بدنبال آن حکومت نظامی در اغلب شهرها اعلام گردید. این بارنسا جان دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران نساج ۷۵ روز طول کشید، دولت تزار برای خاموش کردن آن دستور قتل عام و تیرباران کارگران اعتصابی را صادر نمود. قیام کارگران بوسنیه ارتش و نیروهای سرکوبگر به خون کشیده شد.

در تابستان همین سال در نتیجه‌ی اعتصابات در لهستان که آن موقع جزء روسیه بود نیروهای سرکوبگر حمله‌ی خویش را آغاز نمودند و در این تهاجم وحشیانه ۱۵۱ کارگر کشته و ۱۸۵ نفر زخمی شدند. هرروز بر دامنه‌ی اعتصابات و قیام‌های کارگران افزوده می‌شد. کارگران راه آهن نیز اعتصاب نمودند، تا اینکه آتش قیام سرانجام دژ اصلی قدرت را در خود کشید؛ سربازان نیز به قیام پیوستند. دریاخروشمی‌کند: اعتصابات کارگری و نبردهای خیابانی بین کارگران و نیروهای سرکوبگر اوج می‌گرفت. دهقانان نیز به کارگران می‌پیوستند آنها از اوایل بهار به هنگام بیداری زمین برخاستند و شورش خویش را آغاز نمودند. دهقانان املاک زمینداران را تصرف کرده و کارخانه‌های قند سازی و نوشابه سازی را منهدم نمودند، کاخ‌ها و خانه‌های اربابی را به آتش کشیدند و زمین آنان را به تصرف خویش در آوردند. روستائیان غله و مواد غذایی را مصادره کرده و بین گرسنگان تقسیم می‌نمودند.

قزاق‌ها همه جا کارگران را به گلوله بسته و شورش‌های دهقانی را به خاک و خون می‌کشیدند، آنها دهقانان را تیرباران نموده و انقلابیون را بازداشت و به شکنجه‌گاهها می‌بردند. اما دهقانان هم چنان به مبارزه‌ی خویش ادامه میدادند. در این میان اعتصاب و شورش در نیروی دریایی لوزه بر پیکر استبداد انداخت.

در ۱۳ ژوئن یکی از ملوانان رزمنا و پاتومکین برای دریافت حقوق و شکایت از بدی و کم بودن غذا نزد فرمانده کشتی رفت. اماوی به قتل رسید. ملوانان با آگاهی از این امر دست به شورش زدند. تعداد نیروهای انقلابی در این رزمنا و ۸۰۰ نفری بیش از ۵۰ نفر

نبود. آنان دسته‌جمعی شورش نمودند به طرف افسران تیراندازی کردند. عده‌ای از افسران کشته، عده‌ای تسلیم و بقیه به شورشیان پیوستند.

قیام به رهبری یک ملوان به نام "ماتیوشنکو" آغاز گردید. رزمنا و مزبور به ساحل "اودسا" که یکی از مراکز شورش کارگران بود وارد شد. جسد رفیق کشته شده‌ی آنان با شرکت کارگران تشییع شد. مردم از ملوانان انقلابی استقبالی پرشکوه نمودند و از آنان خواستند تا به قیام مردم بپیوندند، اما ملوانان از این امر خودداری نمودند. دو روز بعد یک گروه از کشتی‌های جنگی برای سرکوبی آنان فرستاده شد، اما ملوانان از تیراندازی به سوی رفقای خویش خودداری کردند و افسران نیز از ترس شورش فرمان بازگشت دادند. یکی از زره‌دارها نیز به ملوانان شورشی پیوست، اما این زره‌دار روز بعد بر اثر ترس و عدم اتحاد نیروهای داخل آن خیانت کرده و تسلیم شد. بر اثر این خیانت رزمنا و پاتومکین مجبور به فرار به رومانی شدند و یکی از بنادر آن‌پناه برد.

مدت سه روز پرچم سرخ قیام بر فراز دکل‌های سپید رزمنا و پاتومکین برافراشته بود، اما شورشیان سرانجام خود را در رومانی تسلیم نمودند. بعضی از آنان اعدام و برخی به زندان محکوم شدند. اگر چه قیام پاتومکین درهم شکست اما نقش بسیار مهمی در تزلزل ارتشیان و روی آوردن آنان به طرف مردم بر عهده داشت. چرا قیام پاتومکین درهم شکست؟

- ۱ - به علت عدم وجود یک رهبری آگاه.
- ۲ - عدم اطلاع ملوانان از وظایف انقلابی خود و اختلاف نظر در بین آن‌ها.
- ۳ - نپیوستن به انقلابیون در "اودسا".

#### نتایج این قیام چه بود؟

- ۱ - ایجاد ترس و وحشت در تزار
- ۲ - نیروگرفتن مردم.
- ۳ - سرایت به سایر نقاط بطوری که در اکتبر نیز عده‌ای از



ملوانان شورش نمودند، اما در نتیجه‌ی بمباران تسلیم شدند. در "ولادی وستک" و مسکو و چند شهر دیگر نیز سربازان از تیراندازی به طرف مردم خودداری نموده و به قیام پیوستند.

### اوج انقلاب

استبداد عقب نشینی می‌کند: ظلم و ستم سرمایه‌داران و حکومت تزاری هم‌چنان برنارضایتی توده‌ها می‌افزود. قیام ناویان و سرکوب وحشیانه‌ی مردم در نهم ژانویه بر خرمن خشم مردم آتش زد. در اواخر سپتامبر، کارگران چاپخانه در مسکو اعتصاب نمودند. اعتصاب بلافاصله به چند شهر دیگر سرایت نمود. کارگران راه آهن نیز دست به اعتصاب زدند. پست و تلگراف دست از کار کشید، کارمندان، روشنفکران، مهندسين و پزشکان نیز چون جویبارهایی به این سیل خروشان پیوستند. در این اعتصابات نزدیک یک میلیون نفر شرکت نمودند. در ماه اکتبر، شورای نمایندگان کارگران شهر پترزبورگ زیر نظر بلشویک‌ها تشکیل گردید. در این شورا، مبارزه‌ی مسلحانه علیه تزار تصویب و کارگران به مبارزه‌ی دسته‌جمعی و قیام مسلحانه دعوت شدند، زیرا اعتصابات مسالمت‌آمیز دیگر کافی نبود و به شدت سرکوب می‌شد. در بسیاری از نقاط، قیام به درگیری مسلحانه‌ی کارگران با ارتش و پلیس انجامید و عده‌ی بسیار زیادی از کارگران کشته و زخمی شدند.

در نتیجه فشار انقلابیون و موج دامنگستر اعتصابات و قیام، دولت مجبور به عقب نشینی شد. تزار در ۱۷ اکتبر ۱۹۰۵ اعلامیه‌ی آزادی را منتشر نمود و آزادی عقیده، بیان، اجتماعات و اتحادیه‌ها را به مردم مژده داد، این اعلامیه نیرنگی‌بیش نبود و کارگران هم چنان خواستار اصلاحات بنیادی بودند. بلشویک‌ها در کنگره‌ی سوم حزب به تجزیه و تحلیل وظایف تاریخی پرولتاریا پرداخته و چنین نتیجه گرفتند که برای سرنگون ساختن دولت تزاری و برقراری دموکراسی انقلابی پرولتاریا، باید به اسلحه متوسل گردید. استالین در یک متینگ اعلام داشت: برای اینکه پیروز شویم، سه چیز لازم



است: اول، مسلح شدن، دوم، مسلح شدن، سوم بازهم مسلح شدن. در این زمان سیر وقایع چنین به جلو می‌رفت:

- ۱ - ادامه‌ی استبداد و ستمکاری و سبب ناراضایتی بیشتر می‌شد.
- ۲ - کارگران نخستین ارگانهای مبارزه و فرمانروایی خویش را به صورت شورا تشکیل میدادند.
- ۳ - تزار با ژاپن پیمان صلح بست و راه برای حمله به توده‌ها هموار گردید.

هجوم آغاز شد. حکومت نظامی اعلام گردید. تزار وحشت زده دستور داد: شوراها را کارگری را نابود کنید! رهبران را بازداشت کنید! بسوی انقلابیون تیراندازی کنید!

اینک دیگر تنها راه باقی مانده برای زحمتکشان، مبارزه‌ی مسلحانه با دشمن مسلح بود. کارگران آگاه و انقلابی مسکو، اعتصاب را به قیام مسلحانه تبدیل نمودند. در این زمان پرولتاریای مسکودارای یک سازمان جنگی با بیش از هزار فدائی بود که بیشتر از حزب بلشویک بودند.

پرولتاریای مسکو با آنکه میدانست پیروز نخواهد شد، ننگ تسلیم افتضاح‌آمیز را نپذیرفت. در ماه دسامبر نخستین سنگر بندی‌ها در مسکو ایجاد شد. یک هنگ از سربازان با بیرون راندن افسران خائن و مزدور از بین خود، به کارگران پیوستند. در اولین روز قیام کادر رهبری بازداشت گردید و قیام بدون رهبری باقی ماند. جنگ ده‌روز به طول انجامید. قیام دسامبر بلندترین نقطه اوج انقلاب بود. در همین ماه حکومت تزار با خشونت بسیار قیام را در هم شکست.

چرا قیام مسکو در هم شکسته شد؟

- ۱ - کارگران دارای یک حزب آزموده و انقلابی نبودند. طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند بدون داشتن یک حزب انقلابی پیروز شود. لنین حزب راستاد پرولتاریا می‌داند.

- ۲ - لنین می‌نویسد: "انقلاب فقط هنگامی میتواند با پیروزی مواجه گردد که طبقات پایین نخواهند مانند سابق زندگی کنند و طبقات بالا نیز نتوانند به زندگی سابق خویش ادامه بدهند." و این

هر دو در روسیه فراهم نبود.

۳ - کارگران از تجربه‌ی مبارزاتی بهره‌مند نبوده و به منافع طبقاتی خویش آگاهی نداشتند و بسیاری از آنان فکر می‌کردند که با اصلاحات و خواهش و تمنا می‌توان خواسته‌های خود را بدست آورد.

۴ - کارگران دارای وحدت فرماندهی، وحدت سازماندهی، وحدت اراده و وحدت فکر نبودند.

۵ - اگر چه در کشوری مانند روسیه که بیشتر مردم آن راکشاورزان تشکیل می‌دهند، شرکت روستاییان در انقلاب از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ اما این امر مورد توجه کافی قرار نگرفته و روستاییان به علت پراکندگی، فقر بسیار و عدم توجه در قیام شرکت نکردند.

۶ - بورژوازی اگر چه به خاطر منافع خویش و به دست آوردن قدرت در بعضی مواقع با قیام همراهی نمود، اما حاضر نشد که به‌طور قاطع در قیام شرکت نماید.

#### درس‌های قیام مسکو:

نظر به اهمیت این قیام و درس‌های پراچ آن، نظر لنین را در این باره ذکر می‌کنیم:

لنین می‌نویسد: "لازم بود به توده‌ها فهمانده شود که تنها اعتصاب مسالمت‌آمیز غیر ممکن است و لزوم یک مبارزه‌ی مسلحانه و بیرحمانه را به آن‌ها توضیح داد و بالاخره حالا ما باید آشکارا و با صدای رسا به عدم کفایت اعتصاب‌های سیاسی اعتراف کنیم. باید قیام مسلحانه را در میان وسیع‌ترین توده‌ها تبلیغ نمائیم."

... "قیام فن است و قاعده‌ی عمده‌ی این فن هم عبارت است از تعرضی که باید با از جان گذشتگی جسارت آمیز و عزم راسخ انجام گیرد."

... "فقط مبارزه‌ی انقلابی توده‌ها قادر است زندگی کارگران و طرز اداره‌ی دولت را به نحوی جدی بهبود بخشد."

کسی نیست بخشد رهایی به ما  
 نه یزدان و نه شاه و نه قهرمان  
 رهایی خود را به دست آوریم  
 همانا به نیروی بازویمان

... " لطمه وارد ساختن و محدود کردن دایره‌ی حکومت تزاری کافی نیست، باید آنرا نابود نمود. "

با توجه به نظریات اندیشمندان‌هی لنین، می‌توان چنین خلاصه نمود:

۱ - تنها انقلاب مسلحانه‌ی سوسیالیستی امکان پیروزی نهایی را برای طبقه‌ی کارگر فراهم می‌سازد.

۲ - اتحاد پرولتاریا و روستاییان از شرایط مهم پیروزی است.

۳ - توده‌ها تنها با از میان بردن اساس سلطنت و استبداد، می‌توانند راه انقلاب را هموار سازند.

۴ - تنها طبقه‌ی کارگر قادر است که توده‌های عظیم غیرپرولتر را رهبری نموده و با داشتن یک حزب انقلابی و یک تئوری انقلابی راه خود را به سوی پیروزی باز نماید.

۵ - انقلاب ۱۹۰۵ در یک‌رشته از کشورهای دیگر نیز اثر نمود.

انقلاب ایران در سال ۱۹۰۶ ترک‌های جوان ۱۹۰۸ سین‌های چین ۱۹۱۱ جنبش انقلابی کره، جنبش آزادی ملی هند، اندونزی و کشورهای عرب از نتایج این انقلاب بهره‌مند شدند.

کتاب دوم

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷



## اوضاع اقتصادی - اجتماعی بعد از قیام

رکود صنعتی حاکم بر روسیه بعد از قیام جای خود را به رونق و توسعه داد. تولید گسترش یافت و عده‌ی پرولتاریا نیز رو به افزایش نهاد. از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۳ تعداد دستگاههای کتان بافی از ۳۶۲ هزار به ۴۱۶ هزار رسید. مزارع پنبه برای احتیاجات کارخانه‌ها نیز گسترش یافتند. در سال ۱۹۱۳ تعداد ۶۰ هزار ماشین کشاورزی تولید شد. سرمایه‌داری به راههای خوب نیز نیاز داشت و در نتیجه راه آهن در روسیه رونق زیادی پیدا کرد. استخراج نفت و ذغال سنگ برای سوخت کارخانه‌ها رو به افزایش نهاد. تولید بافندگی‌ها و صنایع قند و شکر هر روز بیشتر می‌شد. اینک سرمایه‌داران بزرگ که می‌توانستند کارخانه‌های بزرگ ایجاد نمایند و بازارهای وسیعی را تصرف کنند، سرمایه‌داران کوچک را نابود می‌کردند و صنایع را قبضه می‌نمودند، آن‌ها برای تقسیم بازارها و بالا بردن قیمت‌ها و بدست آوردن حداکثر سود با یکدیگر و علیه زحمتکشان متحد می‌شدند و به ایجاد اتحادیه‌ها، تراست‌ها و سندیکاها می‌پرداختند. بانک‌های بزرگ و غول‌آسا به فعالیت شدیدی افتاده و در صنایع بزرگ سرمایه‌گذاری

نموده و در سود سرمایه‌داران و معاملاتشان شریک می‌شدند. نیروی کار ارزان، بازارهای وسیع برای فروش و منابع مواد خام ارزان قیمت و فراوان سرمایه‌داران خارجی را به سوی روسیه جذب می‌کرد. سیل سرمایه‌های خارجی برای بهره‌کشی از زحمتکشان به روسیه سرازیر می‌شد. سرمایه‌داران روسی به علت عقب‌ماندگی صنعتی در روسیه به غرب وابسته می‌شدند، آنها کالاهای غربی را وارد و منابع مواد خام کشور را غارت و صادر می‌نمودند. آنها از نظر مالی نیز به بانک‌ها و سرمایه‌های غربی وابسته بودند. از سویی دولت نیز برای گسترش صنایع و جبران عقب‌ماندگی‌ها به گرفتن وام از کشورهای امپریالیستی می‌پرداخت و هر سال صدها میلیون منات برای بازپرداخت وام‌ها و بهره‌ی سنگین آن از اهالی ستمدیده و غارت زده بیرون می‌کشید و چون هنوز قادر به پرداخت وام‌ها و جبران و لخرجی‌ها و عیاشی‌های خویش نبود، منابع، معادن و اقتصاد کشور را به غربی‌ها می‌سپرد.

در زمینه‌ی کشاورزی سیاست دولت بر جلب دهقانان ثروتمند استوار گشت. به همین سبب ابتدا با انجام اصلاحاتی به دادن زمین‌های کوچک به دهقانان پرداخت و بدینوسیله به مالکین بزرگ اجازه داد تا دوباره زمین‌های دهقانان فقیر را خریده و آن‌ها را به کلی خانه خراب کنند. دولت خود به کولاک‌ها وام‌های بزرگی می‌داد تا زمین‌های دهقانان را بخرند و به عنوان زمینداران بزرگ پایگاهی برای دولت باشند. اینک دیگر تنها کولاک‌ها نبودند که دهقانان آواره و خانه خراب را غارت می‌کردند، بلکه مامورین دولتی، مالیات‌های سنگین و روز افزون، بی‌زمین شدن، بیکاری و ستم سرمایه‌داری بر دوش زحمتکشان روستا فشار می‌آورد. زمینداران بزرگ از روستاییان بی‌زمین نیز مانند کارگران در شهر بهره‌کشی می‌نمودند. بانک‌های سرمایه‌داران که در روستاها جای نزول خواران و رباخواران را گرفته بودند، شیرهی جان زحمتکشان را می‌مکیدند. روستاییان روز به روز بیشتر به دو قشر تهیدست و مرفه تقسیم می‌شدند، فاصله‌ی طبقاتی هر روز بیشتر و بر دامنه‌ی فقر و بیکاری و گرسنگی افزوده‌تر می‌شد، برخورد‌های شدید بین روستاییان و کولاک‌ها اوج می‌گرفت و به شورش‌های

دهقانی می‌انجامید.

این سیستم نکبت بار اقتصادی چگونه به عمر خویش ادامه میداد؟  
پس از انقلاب ۱۹۰۵ حکومتی ارتجاعی بر سر کار آمد. حکومتی که جز چوبه‌ی دار و تسمه‌ی تازیانه برای زحمتکشان چیزی نداشت. این حکومت، ابزار فرمانروایی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بود که ژاندارم‌ها، ارتش و پلیس سرکوبگر و عمال تزار نگهبانان آن بودند. آن‌ها با تیرباران، شکنجه و تبعید پایه‌های حکومت ننگین خویش را استوار می‌نمودند. اخراج دسته‌جمعی کارگران، سرکوب شورش‌های دهقانی و استثمار و بهره‌کشی بی‌رحمانه از زحمتکشان جزئی از سیاست‌های وحشیانه‌ی این حکومت بود.

رئیس این حکومت ارتجاعی بدست شخصی بنام "باگروف" که مامور پلیس سیاسی نیز بود به قتل رسید اما جانشین وی سیاست‌های او را ادامه میداد.

در برابر این ستم‌ها و غارتگری‌ها، دهقانان هر روز بردامنه‌ی شورش‌های خود می‌افزودند، کارگران نیز به مبارزه روی می‌آوردند. در سال ۱۹۱۱ شماری اعتصاب کنندگان از صدهزار نفر بیشتر شد، اما رونق انقلابی در آوریل سال ۱۹۱۲ بود.

در این زمان لنین به مبارزه‌ی با فرصت‌طلبان، خودفروختگان و منشویک‌ها پرداخته و راه را برای ایجاد یک حزب انقلابی بازمی‌نمود. در نتیجه‌ی این مبارزات، منشویک‌ها از حزب اخراج و حزب بلشویک به صورت یک حزب مستقل درآمد.

اعتصاب خونین در معادن طلا: سرمایه‌داران انگلیسی و شرکای روسی آنها تا می‌توانستند کارگران را وحشیانه استثمار می‌نمودند.

آنها از معادن طلای "لنا" سالیانه میلیون‌ها منات سود می‌بردند و تنها دستمزد ناچیزی به کارگران می‌پرداختند تا زنده بمانند و بازهم کار کنند. یکی از کارگران پیشرو در خاطرات خود می‌نویسد: "آن‌ها تورا برای هر چیزی جریمه می‌کردند. هرگاه به طور تصادفی از برابر پنجره‌ی اتاق مدیر می‌گذشتی و کلاهت را بر نمیداشتی جریمه می‌شدی، اگر در محوطه‌ی کارخانه بلند صحبت می‌کردی جریمه می‌شدی، اگر با



آکاردئون وارد خیابان می‌شدی جریمه‌ات می‌کردند، اگر زنت دوقلو می‌زائید جریمه می‌شدی، خلاصه همه چیز برای اینکه آروزی مردن کنی فراهم بود."

اخراج، جریمه، محکومیت به زندان با اعمال شاقه جزئی از ستم‌های استثمارگران بود. سرانجام ۶ هزار کارگر در معادن طلای لناتاب این همه ستم را نیاورده و در آوریل ۱۹۱۲ دست به اعتصاب زدند تا به ابتدایی‌ترین خواسته‌های انسانی خویش دست پیدا کنند. به فرمان افسران ژاندارمری و برای جلوگیری از سرایت قیام به نقاط دیگر و برای آنکه پول و ثروت مفت‌خوران به خطر نیفتد به روی کارگران آتش گشودند.

در طی این هجوم وحشیانه و غیر انسانی به زحمتکشان ۵۰۰ تن از کارگران کشته و زخمی شدند و طلای سرمایه‌داران با خون سرخ کارگران رنگ گرفت. به یکباره خرمنی از گل‌های خونین سرخ در سراسر روسیه شکوفا شد.

رفیق استالین می‌نویسد: "در سال ۱۹۱۲ صدای شلیک‌های لنا، یخ سکوت را در هم شکست و رودخانه‌ی جنبش خلق به جریان درآمد."

رفیق لنین نوشت: "کشتار لنا، انگیزه‌ای بود برای تبدیل روحیه‌ی انقلابی توده‌ها به اعتلاء انقلابی."

رفیق لنین ادامه می‌دهد: "صفت مشخص حوادث لنا این بود که، یک نفر فاسد، جاسوس و نوکر تزار، بدون هیچ علت سیاسی، دست به کشتار و قتل توده‌ای زد. محرومیت و نبودن حقوق عمومی در زندگی مردم روس، بی‌شماری و عدم امکان مبارزه به طور پراکنده، اصلاح‌ناپذیری سلطنت تزاری و تمام رژیم آن، همان چیزی بود که در حوادث لنا آن چنان آشکار دیده شد که آتش انقلاب را در بین توده‌ها شعله‌ور ساخت."

بدنبال حوادث خونین لنا آتش انقلاب شعله‌ور شد. در اعتصابات اول ماه مه ۱۹۱۲ نزدیک ۴۰۰ هزار کارگر شرکت کردند. در نیمه‌ی اول سال ۱۹۱۴ یک میلیون و نیم کارگر اعتصاب نمودند. خشونت و سرکوب رو به افزایش نهاد. کارگران انقلابی دسته‌دسته

اخراج و به زندان افکنده می شدند. جوخه های تیرباران لحظه ای آرام نبودند. رونق جنبش کارگری، توده های دهقان را نیز بیدار نمود. دهقانان ستم دیده و گرسنه طی سال های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ بیش از سیزده بار طغیان نمودند. فعالیت های انقلابی در ارتش نیز آغاز گردید. سربازان انقلابی به پای خاستند. در ترکستان طغیانی مسلحانه میان افراد ارتش بروز نمود.

در ماه مه و ژوئن ۱۹۱۴ اعتصاب همگانی کارگران صنایع نفت باکو آغاز گردید که پلیس با خشونت آنرا سرکوب نمود. به عنوان اعتراض و همبستگی با کارگران باکو در مسکو نیز اعتصاب شد.

سوم ژوئیه: در پترزبورگ به مناسبت اعتصابات باکو اعتصابی برپا شد و در این تظاهرات پلیس به روی کارگران تیراندازی نمود. چهارم ژوئیه: ۹۰ هزار کارگر در پترزبورگ به عنوان اعتراض اعتصاب نمودند.

هفتم ژوئیه: ۱۳۰ هزار کارگر اعتصاب کردند.

هشتم ژوئیه: ۱۵۰ هزار کارگر اعتصاب نمودند

یازدهم ژوئیه: ۲۰۰ هزار کارگر به اعتصاب پیوستند.

در شهر باکو سنگربندی ایجاد شد. پلیس به سوی مردم تیراندازی نمود. پایتخت به یک اردوگاه جنگی تبدیل شد. روزنامه ها توقیف گردید.

در چنین زمانی جنگ بین امپریالیست ها در جهان آغاز شد و آلمان به روسیه اعلان جنگ داد. حکومت تزاری برای درهم شکستن جنبش های کارگری و سازمان های بلشویکی از جنگ استفاده نمود.

جنگ جهانی اول: سال ها بود که سرمایه داران و امپریالیست ها در تدارک جنگی بزرگ بودند. جهان سرمایه داری برای فروش کالاهای خویش به بازار مصرف نیاز داشت، مواد خام، منابع حیاتی و نیروی کار ارزان می خواست. اما دیگر بازاری باقی نمانده بود، استعمارگران همه ی بازارها و منابع را تصرف کرده بودند. پس برای تقسیم جهان بین امپریالیست ها تنها راه حل باقی مانده جنگ بود و بدین ترتیب در سال ۱۹۱۴ دولت های امپریالیستی چون حیواناتی

درنده و خونخوار به جان یکدیگر افتادند و به پاره پاره کردن همدیگر پرداختند.

لنین می نویسد: " جنگ اروپا که دولت‌ها و احزاب بورژوازی کلیه کشورهای، طی ده‌ها سال در تدارک آن بودند در گرفت... تصرف اراضی، غلبه بر ملت‌های بیگانه، خانه خراب ساختن ملت رقیب، غارت ثروت‌های آن، منحرف نمودن توجه توده‌های رنجبر از بحران‌های سیاسی داخل روسیه و آلمان و انگلستان و سایر کشورها، جدایی انداختن بین کارگران و تحمیق آنان با دروغ‌های ملت پرستانه، نابود ساختن پیشاهنگ کارگران به منظور ضعیف نمودن جنبش انقلابی پرولتاریا! چنین است یگانه مضمون واقعی و معنی و مفهوم جنگ فعلی. "

برای تقسیم جهان، امپریالیست‌ها به دو بلوک رقیب بزرگ تقسیم شدند که هر کدام با منظوری خاص و برای جلب منافع بیشتر می‌جنگیدند. لنین می نویسد: " در راس گروهی از ملت‌های در حال جنگ بورژوازی آلمان قرار دارد. این بورژوازی، طبقه‌ی کارگر و توده‌های رنجبر را تحمیق نموده و اطمینان می‌دهد که به خاطر دفاع از میهن، به خاطر آزادی و فرهنگ، بخاطر رهایی ملت‌هایی که مورد ستم تزاریسیم قرار گرفته‌اند و به خاطر برچیدن بساط ارتجاع تزاریسیم می‌جنگد... "

در راس گروه دیگر، بورژوازی انگلیس و فرانسه قرار دارد که طبقه‌ی کارگر و توده‌های زحمت‌کش را تحمیق می‌کند و اطمینان می‌دهد که در راه میهن، در راه آزادی و فرهنگ و بر ضد تجاورگری‌های نظامی و استبداد آلمان می‌جنگد. ولی در عمل این بورژوازی سال‌هاست که ارتش تزار، این ارتجاعی‌ترین و وحشیانه‌ترین رژیم سلطنتی اروپا را با میلیاردها پول خود اجیر نموده و برای هجوم بر ضد آلمان آماده ساخته است... "

این دو گروه، هیچ یک از لحاظ غارتگری، درنده‌خویی و بی‌رحمی بی‌پایان خود در این جنگ از دیگری دست کمی ندارد. " حزب بلشویک تنها حزبی بود که قاطعانه علیه جنگ، علیه سلطنت تزار، بر ضد مالکین و سرمایه‌داران قیام نمود و به پرچم

انترناسیونالیسم کارگری (۱) وفادار ماند. حزب بلشویک معتقد بود که کارگران کشورهای مختلف نباید آلت دست سرمایه‌داران شده و با یکدیگر بجنگند، آنها باید جنگ را به قیام علیه سرمایه‌داران جنگ طلب تبدیل سازند.

لنین نوشت: "... تبدیل جنگ امپریالیستی معاصر به جنگ داخلی، یگانه شعار صحیح پرولتاریایی است... تنها از این طریق است که پرولتاریا می‌تواند خود را از چنگ وابستگی به بورژوازی ملت پرست افراطی برهاند و به شکل‌های گوناگون و با سرعتی زیادیا کم، در راه آزادی واقعی خلق‌ها و در راه سوسیالیسم با گام‌های مصمم به پیش‌رود.

زنده باد برادری بین‌المللی کارگران بر ضد ملت پرستی و میهن پرستی بورژوازی کلیه کشورهای!"

جنگ جهانی اول برای توده‌های مردم فقر، گرسنگی، بیماری و ویرانی به بار آورد و تنها در سال ۱۹۱۶ تعداد ۴۸ تا از تراست‌ها در حدود ۹۶۵ میلیون دلار سود بردند. در طی همین جنگ نزدیک ۹/۷۰۰/۰۰۰ نفر کشته و ۲۱ میلیون نفر زخمی و معلول و میلیون‌ها نفر بر اثر گرسنگی و بیماری‌های گوناگون چون وبا و طاعون از پای در آمدند.

در روسیه نیز فقر و گرسنگی بیداد می‌کرد، سه سال بود که جنگ ادامه داشت. ۱۴ میلیون کارگرو زحمتکش از کار خود باز مانده و عازم جبهه‌های جنگ شده بودند. ارتش پوسیده‌ی تزاری پی‌درپی شکست می‌خورد و توپخانه‌ی آلمان دشت‌های یخ‌زده را از اجساد به‌خون تنیده‌ی زحمتکشان گلباران می‌کرد. کار بدانجا رسید که سرمایه‌داران روسیه خود تصمیم به کودتا علیه تزار گرفتند. آنها خواستند تا تزار را خلع و میخائیل رومانف را که به بورژوازی وابسته بود به سلطنت

۱ - انترناسیونالیسم کارگری = همبستگی بین همه‌ی کارگران و زحمتکشان. چون سرمایه‌داران همه‌ی جهان متحد هستند، کارگران سراسر جهان نیز باید متحد شوند. شعار مشهور "پرولتاریای جهان متحد شوید" بار اول توسط مارکس و انگلس بیان گردید.



" انقلاب کا رتودہ ہا ست "



" سربازان انقلابی ، همراه دریا نوردان انقلابی "

انتخاب نمایند. اما این تدبیرها دیگر موثر نبود. ویرانی، گرسنگی و قحطی همه جا را فرا گرفته بود. اینک توده‌ها در می‌یافتند که تنها راه‌نجات، سقوط سلطنت استبدادی است.

### انقلاب فوریه

سقوط استبداد: شکست‌های پی‌درپی در جنگ ۱۹۱۴، گرانی و احتکار مواد غذایی، قحطی و شورش در پتروگراد، دربار ناتوان نیکلا و همسرش تزارینا، فشار نیروهای سرکوبگر پلیس و ارتش، نفوذ روحانیون مرتجع و دخالت آن‌ها در امور (۱)، بروز ناراضی‌های بین توده‌ها، اعتصابات کارگری و آگاهی و تشکل کارگران و ناتوانی بورژوازی ضعیف روسیه دلایلی بودند که زمینه را برای انقلاب فوریه آماده ساختند.

انقلاب فوریه در سال ۱۹۱۷ با اعتصاب نهم ژانویه آغاز شد. در هجدهم فوریه در پتروگراد، اعتصاب کارگران کارخانه‌ی "پوتیلوف" آغاز گردید. انقلاب از اعماق اجتماع سر برمی‌افراشت. نهضت انقلابی را زنان کارگر بافنده آغاز نمودند. آنها با خشم توفنده‌ی خویش به کوچه‌ها و خیابان‌ها ریخته و فریاد "مرده باد استبداد" برداشتند. قزاق‌هایی که برای سرکوبی فرستاده شده بودند، به زنان پیوستند. در نتیجه بین پلیس وحشی و سربازان تیراندازی آغاز شد. هنگ‌های نظامی به علت ناراضی‌های توده‌ای بودن قیام از رفتن به میان مردم و تیراندازی به سوی آنان خودداری نموده و شورش کردند. پرچم‌های سرخ با شعار "مرگ بر تزار" بر فراز سر ۲۰۰ هزار کارگر اعتصابی به اهتزاز درآمد. تا ۲۷ فوریه حدود

۱ - به عنوان نمونه، راسپوتین "یعنی سگ کشیف" یک راهزن بود که خود را به شکل یک روحانی درآورده و با فریب و حقه بازی در دربار نفوذ نموده و روحانی مخصوص دربار گردید. وی فجایع و جنایات بی‌شماری را در دربار مرتکب گردید و سرانجام توسط درباریانی که از نفوذ او هراسیده بودند به قتل رسید.

۶۰ هزار تن از سربازان به مردم پیوستند. نیروهای مسلح خلق به بازداشت وزیران دولت پرداخته و سپس به زندان‌های سیاسی هجوم برده و انقلابیون را آزاد نمودند. در همه جا نیروهای دهقانی به حمایت از انقلاب پرداختند. با حرکت طوفانی توده‌ها " پدر کوچک روسیه مقدس! " به زباله‌دان تاریخ پرتاب شد. خانوادگی رومانف‌ها پس از ۲۰۰ سال بدست توانای خلق بر افتاد. متن تلگرافی که تزارینا به تزار نوشته بود، برگردانده شد، در حالی که روی آن نوشته بود: " گیرنده ناشناس است! "

این مهر تلگراف‌خانه، مهر باطلی بود که با دست پر قدرت پرولتاریا بر پیشانی سلطنت کوبیده شد. انقلاب فوریه، انقلابی بورژوا - دمکراتیک بود و باعث سرنگونی اساس سلطنت استبدادی گردید. انقلاب فوریه چرا پیروز شد؟ زیرا:

- ۱ - طبقه‌ی کارگر پیشاهنگ انقلاب بود.
- ۲ - توده‌های دهقانی همدوش دیگر زحمتکشان به مبارزه پرداختند.

لنین در اولین روزهای انقلاب نوشت: " انقلاب را پرولتاریا انجام داد، وی قهرمانی نمود، خون خود را بر زمین ریخت و وسیع‌ترین توده‌های زحمتکش و تهیدست‌ترین مردم را به دنبال خود کشانید. " در همین زمان " سوویت " یا شورای متحد شهر پترو گراد تشکیل شد. شورا که تحت نفوذ منشویک‌ها و دیگر گروه‌های فرصت‌طلب خرده بورژوا بود بدرستی ندانست که چه باید انجام دهد. توده‌ها نیز نمیدانستند که با انقلاب چه کنند. پس به مجلس رفته و از نمایندگان بورژوازی که از ترس در حال فرار بودند خواستند تا بیایند و حکومت کنند. بدین ترتیب یک حکومت دوگانه بوجود آمد: مجلس و شوراها.

چرا کارگران و دهقانان پیروز حاکمیت را به نمایندگان بورژوازی و فرصت‌طلبان منشویک سپردند؟ زیرا:

- بیشتر رهبران بلشویک چون لنین و استالین در تبعید بودند.

- خرده بورژوازی در آن زمان در کشور روسیه اکثریت را داشت

و امواج وسیع خرده بورژوازی که به سیاست روی آورده بودند به رهبران خویش اجازه‌ی قدرت یافتن دادند .  
 - کافی نبودن آگاهی و تشکل و سازماندهی پرولتاریا در آغاز انقلاب .

- نزدیک ۴۰٪ از کارگران انقلابی برای جنگ به ارتش فرا خوانده شده بودند .

در اینجا بود که لنین وارد صحنه گردید . حزب بلشویک تحت رهنمودهای لنین در روزنامه به کارگران و سربازان نشان داد که بدون پیشرفت انقلاب و بدون عوض کردن حکومت موقتی به حکومت شوراهای صلح و زمین بدست نخواهد آمد .

حکومت موقتی تحت رهبری "کرنسکی" به تبلیغات برای ادامه‌ی جنگ به سود بورژوازی و علیه لنین پرداخت . لنین را جنایتکار شمرده و دستور توقیف وی را صادر نمود . بسیاری از توده‌ها نیز هنوز در انتظار بودند که مجلس همه‌ی کارها را انجام خواهد داد . در این زمان آلمان به خیال اینکه لنین جنگ را متوقف خواهد نمود و این به سود وی تمام خواهد شد ، به بازگشت لنین از تبعید اجازه داد .

لنین در شب سوم آوریل وارد پتروگراد شد . دهها هزار کارگر ، سرباز و ملوان انقلابی برای پیشواز لنین گرد آمده بودند ، زمانیکه لنین از واگون قطار پیاده شد ، توده‌های ستم‌دیده رهبر خویش را بروی دست بلند کرده و وی را به ایستگاه راه‌آهن آوردند . منشویک‌ها به امید همکاری لنین و به‌عنوان خیرمقدم شروع به سخنرانی نمودند ، اما لنین به نطق آنها گوش نداد ، بی‌اعتنا از نزد آنها به سوی توده‌ی کارگران و سربازان رفت و بر بالای یک زره‌پوش نطق تاریخی خویش را ایراد نمود . وی توده‌ها را به مبارزه‌ی در راه انقلاب سوسیالیستی دعوت نموده و با فریاد " زنده باد انقلاب سوسیالیستی " اولین نطق خویش را پس از سال‌ها تبعید به پایان رسانید . با ورود لنین ، بلشویک‌ها بیدار شدند . لنین در فردای ورودش تزه‌ای مشهور آوریل را که نشان‌دهنده‌ی خطر روشن انقلابی بود بیان داشت .

لنین در تزه‌ای آوریل نوشت : " خصوصیات موقعیت کنونی در روسیه عبارت است از : انتقال از نخستین مرحله‌ی انقلاب که بر اثر



کافی نبودن آگاهی و تشکل پرولتاریا، قدرت را به بورژوازی داده است، به مرحله‌ی دوم آن که باید قدرت بدست پرولتاریا و فقیرترین قشرهای دهقانان داده شود.

لنین وظیفه‌ی حزب را در این زمان چنین بیان می‌نمود: "حزب باید به توده‌ها بفهماند که شورای نمایندگان کارگران یگانه شکل امکان‌پذیر حکومت انقلابی می‌باشد و بنابراین تا زمانی که این حکومت زیر نفوذ بورژوازی است وظیفه‌ما فقط در آن است که به توده‌ها، اشتباهات تاکتیکی آنها را با حوصله، به طور دائم و با پافشاری و به طرزیکه مخصوصاً با نیازمندیهای عملی توده‌ها نیز مطابق باشد، بفهمانیم. تا هنگامی که ما در اقلیت هستیم امر انتقاد و روشن کردن اشتباهات را از پیش می‌بریم و در عین حال لزوم انتقال همه‌ی قدرت دولتی را به شوراهای نمایندگان کارگران ترغیب و تبلیغ می‌نمائیم."

لنین برای آنکه نیروهای انقلابی و بلشویک‌ها را از سرگردانی و ابهام نجات بخشد و منظورهای هدف‌های مشخصی را در پیش روی آنها قرار دهد، سه شعار فوری بلشویک‌ها را به این ترتیب اعلام نمود:

۱ - برقراری جمهوری دمکراتیک.

۲ - مصادره املاک بزرگ.

۳ - برقراری هشت ساعت کار در روز برای کارگران.

این شعارها، نیروهای انقلابی، کارگران و دهقانان را به سوی انقلاب به حرکت در آورد. درست در زمانی که بلشویک‌ها برای گسترش انقلاب آماده می‌شدند، حکومت موقت به عملیات خود بر ضد خلق دامن می‌زد. حکومت موقت برای عقب راندن شوراهای و نابودی بلشویک‌ها تصمیم به حمله در جبهه‌ی جنگ گرفت، اما خستگی سربازان، عدم اطمینان آنها به حکومت و نبودن اسلحه و مهمات به آنها شکست سختی وارد آورد.

خبر شکست در جبهه، پایتخت را به لرزه در آورد. سیاست جنگ‌طلبانه و فریبکارانه‌ی حکومت موقت برای کارگران و سربازان آشکار شده و آنها را به خشم آورد. کارگران به تظاهرات علیه حکومت



" ارتش سرخ " کرملین " رافتح می کند . ۱۹۱۷

موقت پرداختند و لنین این اقدام آنان را در مبارزه علیه حکومت موقت ستایش نمود. لنین نوشت: " هر کس بگوید که کارگران به منظور مبارزه با ارتجاع و حکومت تزاری باید از دولت جدید پشتیبانی کند، آن کس به کارگران و راه پرولتاریا و امر صلح و آزادی خیانت ورزیده است. زیرا همین دولت جدید است که عملاً" هم اکنون دست و پایش به سرمایه امپریالیستی و سیاست جنگی و غارتگرانه‌ی امپریالیستی بسته است و هم اکنون بدون کسب تکلیف از مردم شروع به بند و بست با خاندان سلطنت کرده، هم اکنون برای احیاء سلطنت تزاری کار می‌کند. "

رفیق استالین می‌گفت: " تنها یک راه است و آن سرنگونی حکومت موقت است و تنها پرولتاریا و تهیدستان از عهده‌ی این کار بر خواهند آمد. "

در این زمان یک ژنرال ارتش بنام " کورنیلوف " سپاهی رابه طرف پتروگراد فرستاده و اعلام داشت که درصدد است تا میهن را نجات دهد.

کمیته مرکزی حزب بلشویک کارگران و سربازان را بسیج نمود، گارد سرخ هر روز وسیع تر و نیرومندتر می‌شد. اطراف پتروگراد را سنگر کنده و سیم خاردار کشیدند، چند هزار نفر از ملوانان انقلابی و مسلح برای دفاع از پتروگراد گرد آمدند، آنها نمایندگان نزد سپاه مهاجم فرستاده و هدف‌های واقعی را برای آنها روشن نموده و از سوی دیگر به افشای جنایات حکومت موقت پرداختند. در نتیجه سپاه مهاجم از جمله خودداری نمود و سردار آنان خودکشی کرد. پس از این ماجرا حکومت موقتی تلاش نمود تا با یک مجلس مشورتی جلوی انقلاب را گرفته و چرخ انقلاب را از حرکت باز دارد.

### انقلاب اکتبر

بلشویک‌ها برای انقلابی کبیر آماده می‌شدند. لنین خاطر نشان می‌ساخت که با بدست آوردن اکثریت در شوراها نمایندگان کارگران و سربازان، بلشویک‌ها میتوانند قدرت را در دست گیرند. لنین

می‌گفت که اکثریت توده‌ها طرفدار ما هستند.

حکومت موقت که از جنب و جوش انقلابی به وحشت افتاده بود، سپاهیان را از جبهه احضار نمود و دسته‌های نیرومند گشت‌زنی در خیابان‌ها به رفت و آمد پرداختند. روزنامه‌ی حزب توقیف شد و زره‌پوش‌ها اداره‌ی روزنامه را محاصره کردند. در ساعت ۱۰ بامداد به دستور استالین افراد گارد سرخ و سربازان انقلابی زره‌پوش‌ها را عقب رانده و روزنامه با شعار "سرنگون‌باد حکومت موقت" انتشار یافت.

"اسمولینی" به ستاد جنگی پرولتاریا تبدیل شد. در ۲۴ اکتبر لنین شبانه وارد اسمولینی شد و رهبری انقلاب را بر عهده گرفت. در طول شب دسته‌های انقلابی ارتش و گارد سرخ وارد اسمولینی شدند. سپس آنها به پایتخت حرکت کرده و کاخ زمستانی را که مرکز حکومت موقت بود محاصره نمودند. در ۲۵ اکتبر ایستگاه‌های راه‌آهن، پستخانه، تلگراف، وزارتخانه‌ها و بانک‌های دولتی اشغال و پارلمان منحل گردید.

کارگران پتروگراد تحت رهبری حزب بلشویک دوش به دوش گارد سرخ می‌جنگیدند. رزما و "آورورا" با شلیک توپ‌های خویش به سوی کاخ زمستانی، ناقوس پیروزی را به صدا درآورد. ۲۵ اکتبر آغاز انقلاب کبیر سوسیالیستی است. پیام بلشویک‌ها به مردم روسیه انتشار یافت: حکومت موقتی بورژوازی سرنگون گردیده است! حاکمیت بدست شوراهاست!

بدنبال آن اعضای حکومت موقت بازداشت گردیدند. قیام مسلحانه پتروگراد پیروز شد و فردای آن روز کنگره‌ی دوم شوراها فرمان صلح را تصویب نمود. در همان شب طبق یک فرمان انقلابی مالکیت بر زمین بی‌درنگ و بدون هیچگونه غرامتی لغو گردید. بر طبق این فرمان زمین‌های بسیاری که قبلاً "در دست زمینداران، سرمایه‌داران، خانواده‌ی سلطنت، دیرها و کلیساها بود بدست دهقانان افتاد. دهقانان از پرداخت اجاره به میزان ۵۰۰ میلیون منات طلا در سال معاف شدند. تمام ثروت‌های زیرزمینی از قبیل: نفت، ذغال‌سنگ و کلیه‌ی معادن، جنگل‌ها و آب‌ها به مالکیت مردم درآمد. لنین به ریاست نخستین حکومت شوروی انتخاب شد.

بدنبال پیروزی بی نظیر خلق، ضد انقلاب پا به میدان نهاد. سرمایه داران از هر گوشه و کنار برخاستند تا حکومت جوان شوروی را در هم کوبند. کرنسکی با لباس زنانه به سمت نامعلومی گریخت. فرماندهی ارتش به مقر ضد انقلاب تبدیل شد. اما سربازان علیه آن قیام کرده و فرمانده خویش را به قتل رسانیدند.

یکسال بیشتر طول نکشید تا حاکمیت شوراها در سراسر کشور پهناور روسیه برقرار شد. لنین این آهنگ انقلابی حرکت خلق را " مارش پیروزمندانه " نامید.

امپریالیست‌ها برای سرکوبی انقلاب به نیروهای ضد انقلابی متوسل شدند و با تامین اسلحه و پول و حمایت از آن‌ها به نابودی انقلاب کوشیدند. این نوع جدید مداخلات امپریالیستی در تاریخ معاصر است.

لنین نوشت: " درندگان سرمایه دار انگلیس - ژاپن در لشکرکشی خود علیه روسیهی صلح‌جو ضمناً به اتحاد خود با دشمن داخلی حکومت شوروی پشت گرم هستند. ما خوب می‌دانیم که این دشمن داخلی کیست. این‌ها سرمایه داران، زمینداران، کولاک‌ها و نورچشمی‌های آنها هستند که از حکومت کارگران و دهقانان زحمتکش، یعنی دهقانانی که خون همشهریان خود را نمی‌آشامند، نفرت دارند... کولاک از حکومت شوروی بی‌نهایت نفرت دارد و حاضر است صدها هزار کارگر را خفه کند و به خاک هلاک افکند. ما خوب میدانیم که اگر کولاک‌ها به پیروزی برسند، صدها هزار کارگر را بی‌امان قتل عام می‌نمایند... جای هیچگونه تردیدی نیست که کولاک‌ها دشمن‌ها را حکومت شوروی هستند. یا کولاک‌ها عده‌ی بی‌نهایت زیادی کارگر را به خاک هلاک خواهند افکند و یا اینکه کارگران بلوای اقلیت کولاک غارتگر خلق را علیه حکومت زحمتکشان بی‌رحمانه در هم می‌شکنند. در اینجا حد وسط ممکن نیست. صلح امکان‌پذیر نیست. کولاک را با زمینداران و تزار و کشیش - حتی اگر با آنها نزاع هم کرده باشد - میتوان و به آسانی هم می‌توان، آشتی داد ولی با طبقه‌ی کارگر، هرگز.

... اتحاد هر چه محکم‌تر و پیوستگی کامل با تهیدستان

روستا، گذشت و سازش با دهقان میانه حال، سرکوب بی‌امان کولاک‌ها، این خون‌آشامان، افعی صفتان غارتگران خلق، این محترکینی که از قحطی ثروتمند می‌شوند، چنین است برنامه‌ی کارگر آگاه، این است سیاست طبقه‌ی کارگر. " (۱)

نابودی کامل کولاک‌ها و اشتراکی نمودن کشاورزی و خوشبختی دهقانان تا سال ۱۹۳۴ طول کشید. حزب بلشویک میلیون‌ها نفر از توده‌ی دهقانان را یاری نمود تا داخل "کلخوزها" بشوند و از اسارت کولاک‌ها رها گردند. تا این سال کلخوزها ۹۰٪ مساحت کشتزارها را در بر گرفتند. در همین سال ۲۸۱ هزار تراکتور و ۳۲ هزار کومباین میان کشاورزان تقسیم شد. سیستم سوسیالیستی اقتصاد کشاورزی، کولاک‌ها را نابود و گدایی، دزدی، بیماری و فقر را از سراسر روستاهای شوروی ریشه‌کن نموده و استثمار و بهره‌کشی را از میان برداشت.

لشکرکشی "کلچاک": امپریالیست‌ها دست به توطئه‌ی دیگری نیز زدند. آنها علناً به مداخله در امور شوروی پرداختند. ۲۶ نفر از بلشویک‌های رهبر باکو را تیرباران نموده و سپس دست به محاصره‌ی روسیه زدند. تمام راههای دریایی و زمینی را قطع نمودند. امید آنان به دریا سالار "کلچاک" امیر سرسپرده‌ی ایشان بود که به وی نام فرمانفرمای عالی روسیه نیز دادند. وی با یاری ژاپنی‌ها به روسیه حمله برد. بهترین نیروهای بلشویک‌ها به جنگ با کلچاک پرداخت. پارتیزان‌ها در همه جا به این ارتش پوشالی حمله می‌بردند. سرانجام در سال ۱۹۱۹ ارتش کلچاک نابود گردید و خود وی به حکم کمیته‌ی انقلاب تیرباران شد. توده‌های مردم ترانه‌ای ساخته و برای کلچاک می‌خواندند:

---

۱ - برای آگاهی بیشتر از نقش ضد انقلاب و اعمال جنایتکارانه آنان و حمایت‌های امپریالیسم از آنها می‌توانید رمان "زمین نوآباد" را بخوانید.

لباسش، انگلیسی  
 سردوشی اش، فرنگی  
 توتونش، ژاپنی  
 خودش، فرمانروای "امسک"  
 لباسش، پاره شد.  
 سردوشی، کنده شد.  
 توتون، کشیده شد.  
 فرمانروا! فراری شد.

لنین در نامه‌ای به کارگران و دهقانان پاک شدن خاک شوروی را از پلیدی وجود تمام پست فطرتان ملاک و سرمایه‌دار که خلق را با مالیات‌ها، تحقیرها، تازیانه زدن‌ها و ستمگری‌های تزاری شکنجه داده‌اند، به مردم تبریک گفت.

لنین سپس به پنج درس مهم از این تجربه اشاره می‌نماید:

درس نخست: برای دفاع از حکومت کارگران و دهقانان در برابر راهزنان، یعنی ملاکین و سرمایه‌داران ما به یک ارتش سرخ مقتدر نیازمندیم.

درس دوم: ارتش سرخ بدون وجود ذخیره‌ی دولتی فراوان غله نمی‌تواند نیرومند باشد.

درس سوم: برای اینکه بتوان ضد انقلاب را به طور قطعی نابود ساخت باید نظم انقلابی اکیدی را مراعات نمود و قوانین و احکام حکومت شوروی را مقدس شمرد... باید با تمام نیرو این راهزنان، یعنی ملاکین و سرمایه‌داران پنهان شده را مورد پیگرد قرار داد و از تمام پناهگاه‌هایشان خارج ساخت، رسوا نمود و بی‌امان به کیفر رسانید.

درس چهارم: منشویک‌ها و دیگر گروه‌های فرصت‌طلب و منحرف پشتیبان ضد انقلاب هستند.

درس پنجم: برای آنکه ضد انقلاب را نابود ساخت باید تمام دهقانان بدون تزلزل دولت کارگری را انتخاب نمایند. یا دیکتاتوری (یعنی قدرت آهنین) ملاکین و سرمایه‌داران و یا دیکتاتوری طبقه‌ی کارگر. حد وسط وجود ندارد. مبارزه‌ی بی‌امان علیه سرمایه، اتحاد

زحمتکشان، اتحاد دهقانان با طبقه کارگر! چنین است آخرین و مهم ترین درس غائله کلچاک."

لشگرکشی "دنیکین": ضد انقلاب، امپریالیست‌ها و نیروهای مداخله‌گر خارجی این بار به یک ژنرال خائن در جنوب متوسل شدند. آنها با ارسال اسلحه و مهمات، ژنرال "دنیکین" را به حمله علیه حکومت‌شوراها برانگیختند.

لنین شعار "همه در راه مبارزه بر ضد دنیکین" را داد. کارگران و زحمتکشان برای نابودی دشمن، یکدل و یک جان برخاستند. پرولتاریای شیردل پتروگراد، برای دفاع از نخستین دژ انقلاب سینه سپر کرد. کمونیست‌ها در صف اول جبهه قرار گرفتند و سرانجام توانستند این نیروی اهریمنی را نیز در هم بشکنند. لنین درباره‌ی علت این پیروزی‌ها نوشت:

"چرا ما با وجود کمک سرمایه‌داران تمام جهان به کلچاک و دنیکین بر آنها پیروز شدیم؟ چرا ما مطمئن هستیم که اکنون بر فروپاشیدگی اقتصادی پیروز خواهیم شد و صنایع و کشاورزی را از نو زنده خواهیم نمود؟

ما بدانجهت بر ملاکین و سرمایه‌داران پیروز شدیم که سربازان سرخ و کارگران و دهقانان می‌دانستند که در راه امر حیاتی خویش پیکار می‌کنند.

ما بدانجهت پیروز شدیم که بهترین افراد طبقه کارگر و بهترین افراد تمام دهقانان در این جنگ بر ضد استثمارگران، قهرمانی بی‌نظیر از خود نشان دادند، در دلاوری معجزه کردند، محرومیت‌های بی‌سابقه‌ای را متحمل شدند، جان‌فشانی کردند و استفاده‌جوپان و ترسویان را بی‌رحمانه از صفوف خود بیرون راندند.

اکنون هم ما مطمئن هستیم که بر فروپاشیدگی اقتصادی پیروز خواهیم شد، زیرا بهترین افراد طبقه کارگر و بهترین افراد تمام دهقانان، با همان آگاهی و همان عزم آهنین و با همان قهرمانی برای مبارزه به پا می‌خیزند.

و هنگامی که میلیون‌ها زحمتکش، هم‌چون تن واحد، متحد می‌شوند و از بهترین افراد طبقه خود پیروی می‌نمایند، آنگاه



پیروزی حتمی است . . .

همه‌ی ما اکنون می‌گوئیم :

مرده باد استفاده‌جویان ! مرده باد کسانیکه در فکر نفع خود و در فکر معامله‌گری و در فکر سرباززدن از کار هستند ! مرده باد کسانیکه از فداکاری‌های ضروری برای پیروزی‌ترس دارند !

زنده باد انضباط کار ! اشتیاق به کار، وفاداری نسبت به خواست کارگران و دهقانان ! افتخار جاویدان بر کسانیکه اکنون میلیون‌ها زحمتکش را به دنبال خود می‌برند و با نهایت اشتیاق در نخستین صفوف ارتش کار گام بر میدارند . "

اگرچه بار دیگر از سوی زمامداران لهستان و ژنرال‌های فراری خائن برای هجوم به شوروی تلاش‌هایی به کار برده‌شد، اما با فداکاری‌ها و دلاوری‌های ارتش سرخ و کارگران و دهقانان این هجوم‌ها نیز در هم شکست .

ارتش سرخ بخاطر ایمان به پیروزی، بخاطر حفظ منافع توده‌های مردم، به جهت آگاه بودن به علت جنگ، به علت رهبری آگاهانه‌ی حزب بلشویک و به خاطر انضباط و روح انقلابی توانست ارتش‌های مداخله‌گر را در هم شکند .

با پیروزی کامل انقلاب اکتبر دوران نوین سازندگی و صلح فرا رسید . قراردادهای ظالمانه‌ی تزاری چون قرارداد با ایران لغو گردید، امتیازات امپریالیستی که روسیه تزاری به زور گرفته بود باطل اعلام شد . دستگاه کهنه‌ی دولتی بورژوازی ویران شد و به جای آن دستگاه نوین دولتی شورایی برپا گردید . امتیازات طبقاتی و کلیسایی لغو شد . مطبوعات و سازمان‌های ضد انقلابی از میان برداشته شدند، مجلس بورژوازی پراکنده گردید . تمام زمین‌ها و صنایع ملی اعلام شد . همه‌ی این اقدامات در عرض چند ماه صورت پذیرفت . بعد از پایان جنگ‌های داخلی و خارجی زمینه برای ساختمان سوسیالیسم آماده گشت .

سیاست اقتصادی لنین ( نپ = سیاست نوین اقتصادی )  
و برنامه‌های اقتصادی پنج ساله سیمای اقتصادی جامعه‌ی شوروی را



" ماکسیم گورکی درمبان کا رکران "

دگرگون نمود.

بنیان اقتصادی اتحاد شوروی بر سیستم سوسیالیستی اقتصاد و مالکیت سوسیالیستی بر وسایل تولید نهاده شد. تا دهه‌ی ۱۹۳۰ کولاک‌ها به کلی از میان برداشته شدند. استثمار فرد از فرد برای همیشه از بین برده شد. بحران، فقر، بیکاری و گرسنگی برای همیشه از میان رفت. محصولات صنایع نیرومند سوسیالیستی هفت برابر از مقدار پیش از جنگ بیشتر شد.

در اقتصاد روستا، سیستم کلخوزها، کار بوسیله‌ی ماشین و تجهیزات نوین فنی، جای اقتصاد ورشکسته‌ی دهقانی را گرفت. پرولتاریای اتحاد شوروی که زمام حکومت را بدست گرفته بود، از استثمار آزاد و سیستم اقتصاد سرمایه‌داری را نابود و مالکیت سوسیالیستی را بر وسایل تولید برقرار نمود.

بازرگانان، رباخواران، سفته‌بازان و زمینداران نابود شدند، روشنفکران همدوش و همگام با کارگران و دهقانان در راه ایجاد جامعه‌ی سوسیالیستی به خدمت خلق کمر بستند.

اساس سیاسی اتحاد شوروی بر شوراها‌ی نمایندگان زحمتکشان استوار شد.

این شوراها در اثر سرنگون نمودن حاکمیت سرمایه‌داران و زمینداران و براساس دیکتاتوری پرولتاریا ایجاد گردید.

برای تمام مردم شوروی حق کار، حق استراحت، حق تحصیل، حق تامین زندگی در ایام پیری و بیماری در نظر گرفته شد. در کلیه‌ی رشته‌ها به زن و مرد حقوق مساوی داده شد. همه‌ی مردم از آزادی مذهبی برخوردار شدند. آزادی بیان، قلم، میتینگ، مصونیت شخصی، مصونیت مسکن، محرمانه‌بودن مکاتبات، حق فعالیت علمی، حق مبارزه در راه آزادی به رسمیت شناخته شد.

علوم و دانش‌های گوناگون با سرعتی بسیار روی به‌ترقی نهاد. اولین زن فزانورد به نام "والنتینا ترشکوا" از روسیه به آسمانها بال گشود. علم پزشکی داروی بسیاری از بیماری‌های ناشناخته را کشف نمود. نظریات "اپارین"، "واسیلیف" و دیگران در رشته‌های زمین‌شناسی و گیتی‌شناسی از اعتبار جهانی برخوردار است. هنر و

ادبیات نیز در کنار سایر رشته‌ها گسترش و رونق یافت. نویسندگان بزرگی چون " چنگیز آیتماتف " و " شولوخف " نقش مهمی در ادبیات جهان بر عهده گرفتند. هنر تئاتر در شوروی با وجود استاد بزرگی چون " استانیسلاوسکی " به اوج قدرت رسید.

" سرگئی آیزنشتاین " با وارد نمودن قوانین ماتریالیسم در سینما و آفرینش آثار بزرگ سینما چون " رزنا و پاتومکین " سینمای واقع‌گرای شوروی را در جهان تثبیت نمود. " عزیز حاجی بیگف " اپرا را از سالن‌های اشرافی به میان توده‌ها برد و با آفریدن اپراهایی چون " لیلی و مجنون " و " کوراوغلی " این هنر را از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار نمود. نقاشان خلق‌های مختلف روسیه در خلق تابلوها و آثار هنری در جهان از شهرت بسیار برخوردارند. " کنستانتین کورویین " و " سرگئی - گراسیموف " از پر قدرت‌ترین نقاشان مردمی معاصر به شمار می‌روند. هنر و هنرمند از درون کاخ‌های پر شکوه به آغوش خلق رفته و زیبایی و شکوه را از خلق فرا گرفتند. اینک در شوروی ۷ هزار مدرسه هنری وجود دارد.

در شوروی اکنون ۱۲۷ هزار مدرسه با ۴۰ میلیون دانش‌آموز وجود دارد. کودکان در سن ۳ تا ۷ سالگی به کودکستان می‌روند. اینک ۱۴ میلیون کودک در ۱۲۲ هزار کودکستان و پرورشگاه به سر می‌برند. بر سر در کلاس‌های کودکستان‌ها این شعار نوشته شده است: " مال من، مال ماست. مال ما، مال من است ".

اینک در شوروی ۷۰ روزنامه و مجله برای کودکان منتشر می‌گردد. در ۸ هزار کتابخانه مخصوص کودکان و ۱۳۰ هزار کتابخانه‌ی مدارس حدود ۸۲۲ میلیون جلد کتاب وجود دارد. در این کشور برای پرورش جسم نیز برنامه‌های زیادی در نظر گرفته شده است. نزدیک ۶ هزار مدرسه‌ی ورزشی در سراسر شوروی ایجاد گردیده است. قهرمانان ورزش شوروی با پیروزی شگفتی‌آفرین خود، دنیای سرمایه‌داری را در مسابقات المپیک مسکو به شگفتی واداشتند. تمام این قهرمانان کار می‌کنند. اینک این اصل مقدس سوسیالیستی در اتحاد شوروی برقرار

گردیده است: " از هر کس مطابق استعدادش و به هر کس مطابق  
کارش. "

برخیز! ای داغ لعنت خورده  
دنیای فقر و بندگی،  
جوشیده خاطر ما را برده  
به جنگ مرگ و زندگی  
باید از ریشه براندازیم  
کهنه جهان جوروبند  
آنگه نوین جهانی سازیم  
هیچ بودگان، هر چیز گردند  
روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما  
انترناسیونال است  
نجات انسان‌ها.

\* \* \*

بر ما نبخشد فتح و شادی  
نه شه، نه بت، نه آسمان  
بر دست خود گیریم آزادی  
در پیکارهای بی‌امان  
تا ظلم از عالم بروسیم  
نعمت خود آریم بدست  
دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتی آهن گرم است  
روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما  
انترناسیونال است  
نجات انسان‌ها

\* \* \*

تنها ما توده‌ی جهانییم  
اردوی بیشمار کار

---

داریم حقوق جهانیانی  
نه که خونخواران غدار  
غرد وقتی رعد مرگ آور  
بر دژخیمان و رهنان  
در این عالم بر ما سراسر  
تابد خورشید نور افشان  
روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما  
انترناسیونال است  
نجات انسانها

---

شعر این سرود اول بار توسط یک کارگر نجار فرانسوی بنام یواتیه  
بعد از نخستین انقلاب کارگری جهان یعنی کمون پاریس سروده شد.

"قهرمانان کا روسیالیستی"



"والدیننا ترشکوا، اولین زن فضا نوردهجان "یوری گاگارین، فضا نوردهقهرمان شوروی"

## فهرست منابع نقل قول‌ها

- اعتلاء انقلابی : لنین  
تزه‌های آوریل : لنین  
نامه به کارگران و دهقانان : لنین  
همه به پیکار علیه دنیکیین . لنین  
جنگ و سوسیال دموکراسی روس : لنین  
درس‌های قیام مسکو : لنین  
درس‌های انقلاب : لنین  
برای آگاهی بیشتر داستان‌های زیر را بخوانید  
نهم ژانویه : ماکسیم گورکی  
داستان‌هایی دربارهٔ لنین : نویسندگان شوروی  
مادر . ماکسیم گورکی  
زمین نوآباد : شولوخف  
سرنوشت یک انسان : شولوخف  
داستان یک انسان واقعی : بوریس پولداوی  
نخستین آموزگار : چنگیز آیت‌ماتوف  
قصه برای بزرگسالان : سالتیکوف شچدرین





انتشارات بلوچ : تهران - خیابان گرگان ایستگاه روشنایی تلفن ۷۵۵۹۲۰

قیمت ۳۵ ریال

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان

